

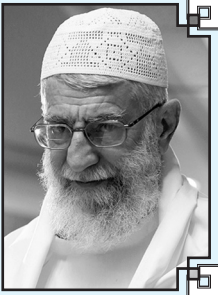
«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا می‌کنیم...
دعوی من و شما و همه کسانی که دعا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹

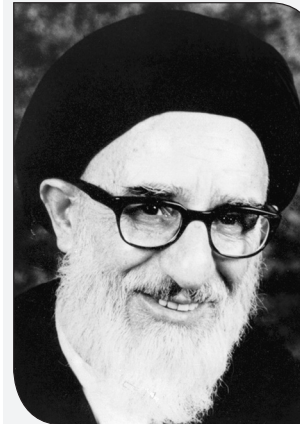


سپاهی الهی زحمت

تشکیل ائتلاف با
عنوان مبارزه با
داعش، تو خالی و
جهت‌دار است



بخشی از خاطرات خودنوشت آیت‌الله طالقانی در سال ۱۳۴۱



اشاره: آنچه در پی می‌آید، بخشی از خاطرات خودنوشت مردی است که امام خمینی (ره) او را «بوذر زمان» خواند که «زبانش همچون شمشیر مالک اشتر برنده بود و تیز» و «از حبسی به حبس دیگر می‌رفت». آنچه مرحوم آیت‌الله طالقانی از جریان دستگیری و بازجویی خویش در بهمن ماه ۱۳۴۱ می‌آورد، نمونه‌ای از شیوه‌های ددمنشانه کسانی است که امروزه با همکاری انواع و اقسام دستگاه‌های تبلیغی می‌خواهند با پاکسازی گذشته، انتقامشان را از امثال طالقانی‌ها بگیرند. مشروح این نوشتار را می‌توان در ماهنامه «شاهد یاران» (ش ۳۹) خواند.

در روز سوم بهمن ماه ۱۳۴۱ مأمورین سازمان امنیت بدون اجازه و تشریفات قانونی وارد خانه من

شدند و مرا با حال کسالت و بیماری به زندان قزل قلعه بردند. به چه گناهی و به چه جرمی و با استناد به کدام یک از مواد قوانین اساسی و حقوق بشری؟ هنوز نمی‌دانم...

مقارن با زندانی کردن من، عده زیادی از علما، از پیرمرد نود ساله تا جوانها، از سران جبهه ملی و نهضت آزادی ایران تا کاسب و کارگر و بازاری و دانشجو را در تهران و شهرستانها به زندان کشیدند. به چه بهانه؟ به این بهانه که در روز ششم بهمن قرار است ۶ ماده مصوبه در معرض تصویب و رفراندوم گذارده شود تا مردم، رأی موافق و مخالف (!) خود را ابراز دارند. ما هم که صاحب‌رای بودیم و نه خود و نه هیچ مرجع صلاحیت‌دار و نه ملت، ما را از مهجورین در اظهار نظر نشناخته، چرا باید زندانی شویم و از دادن رأی و اظهار نظر محروم باشیم؟ به فرض آنکه حکومت تشخیص داد که ما از مخالفین هستیم، هنوز اظهار نظری، نه به صورت اعلامیه و نه سخنرانی، نکرده بودیم. اگر استناد کنند که علما اظهار مخالفت کرده‌اند، نباید تنها من از نظر دستگاه مقصر باشم با آنکه علما طبق نص صریح اصل دوم متمم قانون اساسی نسبت به هر طرحی، از جنبه اسلامی حق نظر و قبول یا رد آن را دارند...

پس از آنکه به زندانم کشیدند، حسب معمول و برای پرورده‌سازی و صورت قانونی درست کردن، اشخاصی که آماده برای بازجویی و ساختن پرورده هستند و برای همین کار پرورش یافته‌اند، در تاریخ ۹/۱۱/۴۹ مشغول بازجویی از من شدند. محور سؤالات در باره ۶ ماده بود. در جواب سؤال راجع به عقیده شخصی در این باره، جواب اول این بود که: «از لحاظ موازین و قوانین اجتماعی، پاسخ من همان است که در اعلامیه جبهه ملی گفته شده و از لحاظ دینی، همان است که آقایان مراجع تقلید گفته‌اند.» باز آقای بازجو به این اکتفا نکرده، اصرار می‌کرد که: «به تفصیل نظر شخصی خود را بگویید.» کدام مقررات و قانونی اجازه می‌دهد که بازجو تفتیش عقیده نماید و شخص را وادار به بیان معتقدات درونی کند که هیچ ظهور خارجی نداشته است؟ این روش را تنها در ایران و سازمان امنیت می‌توان یافت تا بیان عقیده شخصی، به صورت پرورده درآید و آقای دادستان بتواند استناد کند که متهم، درباره فلان ماده چنین اظهار نظری نموده است.

مدتی صورت مجلس طول کشید. مأمور حتی به نوع عقیق انگشتر و محکوک آن هم دقت کرد و همه را در پاکتی لاک و مهر و صورت مجلس کرد و رفت. ساعتی بیش نگذشت که همین شخص با عده‌ای دیگر و افسری که مأمور جلسه بود، آمدند و آنچه را که گرفته بودند، پس دادند و از زندان عشرت‌آباد خارج کردند. در این میان چیزی که بیشتر ذهنم را مشغول می‌داشت، تردید در تعیین زندان و نقل و انتقالها بود. گاهی هم که از آنها می‌پرسیدم، جواب روشنی نمی‌دادند؛ ولی پس از چند روز، سرّ این مطلب کشف شد...

پس از تحویل به زندان، مرا یکسره به زندان شماره ۴ بردند. عده‌ای همین که متوجه آمدنم شدند، پشت میله‌ها جمع شدند که هنوز صدای پرشور و محبت و علاقه آنها در گوشم هست. پس از اندکی توقف در دفتر شماره ۴، معلوم شد باز دستور جدیدی آمده یا اشتباه کرده‌اند و بنا شد مرا به زندان شماره ۲ ببرند. زندان شماره ۲ مخصوص معتادین و قاچاقچیان حرفه‌ای است. از روز پنج‌شنبه ۶ تیر تا ساعت ۱۰ شب یک‌شنبه ۹ تیر در دفتر افسران زندان بودم و شب را در اتاق ملاقات خوابیدم... نزدیک اتاق دفتر افسرها اتاقی کوچک و دارای دو میز و یک تختخواب کوچک برای استراحت مأموران است و مراجعین بسیاریند. جای دادن من در چنین جایی، مثل نقل و انتقالات، ایهام‌انگیز و تعجب‌آور بود، چون به افسرها می‌گفتم: «هم شما در زحمتید و هم من. مگر در تمام این زندان یک اتاق انفرادی برای من نیست که به آنجا منتقلم کنید؟» جوابهای مبهم می‌دادند، ولی طولی نکشید که سرّ این نقل و انتقالها و این نگاه داشتن سه روزه من در دفتر زندان کشف و معلوم شد. آقایان بازجویان محترم سازمان امنیت مشغول بازجویی و اعتراف گرفتن و پرورده‌سازی هستند و می‌خواهند من صدای بچه‌ها و اشخاصی را که دچار انواع شکنجه هستند، بشنوم یا آنها را از دور ببینم.

ادامه در صفحه ۴

«نقش تبریز در فرهنگ تشیع»

صفحه ۸



اینجا تبریز است.

شهر علامه‌ها



آیت‌الله اراکی:

شاگرد نعمت
«امامت» نبودن
موجب غیبت امام
زمان (عج) شده است

صفحه ۶



انتقاد حضرت
آیت‌الله شبیری زنجانی
از تبدیل نظام آموزشی
حوزه‌های علمیه
به نظام دانشگاهی

صفحه ۳



گفت‌وگویی با دکتر سید سلمان صفوی

راه انتقال
مفاهیم دینی به
نسل جوان

صفحه ۵



انصارالله
طلایه‌دار،
حرکت
حوثی‌ها

صفحه ۲



پاسخ رئیس مجلس به اظهارات ایران هراسانه «هنری کیسینجر»

ایران به دنبال تشکیل امپراطوری نیست

آموختیم که مأموریت بزرگی داریم و در شطرنج دشمن بازی نمی‌کنیم.

دکتر لاریجانی در بخش دیگری از سخنان خود به فراز و فرودهایی که فلسطین در طول تاریخ داشته است، اشاره کرد و اظهار داشت: جنگ‌های اخیر با رژیم صهیونیستی تا حدود زیادی شرایط این رژیم را تغییر داد و به همان میزان هم شگردها تغییر کرد و این شرایط اقتضا می‌کند که در محفلی با حضور اندیشمندان اسلامی شرایط فلسطین مورد بررسی مجدد قرار گیرد.

دکتر علی اکبر ولایتی دبیرکل مجمع جهانی بیداری اسلامی با اشاره به فرمایشات رهبر معظم انقلاب، گفت: ایشان بارها فرموده‌اند که راه‌حل عادلانه و دموکراتیک ما این است که تمام فلسطینی‌ها چه آنهایی که در داخل هستند و چه آنهایی که در خارج از فلسطین اما با هویت فلسطینی زندگی می‌کنند باید در یک همه‌پرسی شرکت کنند و خود آنها ساختار دولتشان را مشخص کنند. آن‌گاه است که امنیت در این سرزمین برقرار می‌شود.

وی تصریح کرد: پیام روشن ما به دولت‌های اسلامی این است که بیاییم به یاری مظلومان برخیزیم و برای تحقق این کار باید تمام دولت‌های اسلامی اختلافات سیاسی و غیرسیاسی را کنار بگذارند و به کمک مظلومان بشتابند. مشاور بین‌الملل مقام معظم رهبری خاطرنشان کرد: عالیشانان و علمای بزرگ اسلام آگاه باشید که وظیفه ما از یک طرف فراهم کردن امکانات برای حمایت از مقاومت است و از طرف دیگر باید درصد آن باشیم که با کشورهایی که با مقاومت سر جنگ دارند به مبارزه برخیزیم. تجهیز و مسلح کردن گروه‌های مقاومت در سراسر فلسطین اعم از غزه تا رود اردن باید مسلح شوند. اگر کاری می‌خواهید کنید آن کار این است که در تمام فلسطین مردم باید مسلح شوند و گرنه با آرامش و مصالحه چیزی دست فلسطینی‌ها را نمی‌گیرد.

دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین هم در همایش علمای اسلام در حمایت از مقاومت فلسطین، گفت: موفقیت‌هایی که جهاد اسلامی در برابر رژیم صهیونیستی به دست آورده است پیروزی جهان اسلام بود. مسائل فلسطین، قلب انسان را سرشار از درد و آلام می‌کند و همچنان زخم‌های مردم غزه التیام پیدا نکرده است.

همایش بین‌المللی «علمای اسلام در حمایت از مقاومت فلسطین» در حالی برگزار شد که علاوه بر بررسی اقدامات وحشیانه رژیم صهیونیستی، اقدامات داعش در عراق و سوریه و رویکرد امریکا در منطقه نیز از مهمترین محورها مورد بحث آن بود.

رئیس مجلس شورای اسلامی در این همایش بین‌المللی پاسخ اظهارات اخیر هنری کیسینجر را داد و تأکید کرد که ایران به دنبال تشکیل امپراتوری نیست.

با وجود اعلام موضع مثبت باراک اوباما رئیس‌جمهوری امریکا مبنی بر اینکه «مشکل پیش روی دولت‌های سنی مذهب که بسیاری از آنها از متحدان امریکا هستند، ایران یا موضوع شیعه و سنی نیست، بلکه افراط‌گرایی سنی است که خود را به شکل داعش نشان داده است» هنری کیسینجر از تئوریسین‌های سیاست خارجی امریکا اخیراً ایران را مشکلی بزرگتر از داعش برای امریکا خوانده است. او با اشاره به جایگاه تاریخی ایران و نفوذش در منطقه خاورمیانه، ایران را مستعدترین کشور برای ایجاد هژمونی و تشکیل یک امپراتوری قوی در خاورمیانه دانست.

رئیس مجلس در واکنش به این سخنان که به نظر می‌رسد در راستای استراتژی «ایران هراسی» بیان شده، آن را شیطنتهای طرفداران صهیونیست‌ها خواند و گفت: دلیلی ندارد ایران به دنبال امپراتوری و دست نشانده باشد. انقلاب اسلامی ضد امپراتوری عمل کرد و تفکر انقلاب، ضد امپراتوری است.

به گزارش ایرنا، دکتر لاریجانی افزود: انقلاب اسلامی برای مسلمانان وحدت به وجود آورد و در کلمات امام خمینی (ره) هیچ واژه‌ای به اندازه وحدت دیده نمی‌شود. درست است که انقلاب اسلامی ایران به دنبال روشننگری میان مسلمانان است تا فریب غرب را نخورند اما به دنبال امپراتوری نیست، ما دست نشانده نمی‌خواهیم. وی ادامه داد: ما می‌خواهیم برادر هم باشیم و در خلیج فارس و در خاورمیانه به دنبال دست نشانده نیستیم. ایران به دنبال برادری و بیداری اسلامی است و از همین رو است که به حماس و مقاومت کمک می‌کنیم البته نه از جنس کنفرانس‌ها بلکه کمک عملی انجام می‌دهیم و به آن افتخار هم می‌کنیم. ما هزینه می‌کنیم تا نفوذ صهیونیست را از منطقه خارج کنیم.

آقای لاریجانی تصریح کرد: این وظیفه اصلی ما است و ایران به دنبال بازی‌های کوچک و کودکانه نیست ما پیشتر از امام (ره)

شیعیان یمن

براساس آمارهای رسانه‌ای، ۴۲درصد جمعیت ۲۲ میلیون نفری یمن را شیعیان تشکیل می‌دهند که شامل: زیدیان، نزدیک به ۳۰درصد (پنج میلیون و ششصد هزار نفر) از جمعیت شیعیان را تشکیل می‌دهند، از این شمار اکنون تنها چهار یا پنج درصد به درستی شناخته شده‌اند. در سال ۱۹۶۲، عبدالناصر با استقرار ۶۰/۰۰ نیروی مصری در یمن، حکومت را از زیدی‌ها گرفت و به لائیک‌ها سپرد. در این سال حکومت جمهوری اعلام شد و حکومت شیعیان پایان یافت. ژنرال علی عبدالله صالح الاحمر پس از کودتا رئیس‌جمهور یمن شد که با انقلاب مردمی، حکومت دیکتاتوری وی نیز از هم فروپاشید.

پس از به حکومت رسیدن وهابی‌ها، آنان به کتابخانه‌ها حمله کردند و آنجا را آتش زدند، از فعالیت مدارس دینی جلوگیری کردند و علمای زیدی را کشتند، زیدیان با محدودیت‌های شدیدی در انجام مراسم و مناسبت‌های خود روبه‌رو بوده و همواره حقوق آنها از سوی حاکمان یمن نادیده گرفته شده است.

حکومت یمن وارد درگیری‌هایی با گروه‌های شیعه شد که تنها خواستار برابری و برخورداری از حقوق مشروع خود بودند، در سال ۲۰۰۷ پیمان صلحی میان دو طرف امضا شد که هرگز بدان عمل نشد. سال بعد با میانجی‌گری قطر، دیداری میان نمایندگان دو طرف در دوحه برای انجام مقدمات پیمانی دیگر شکل گرفت. در اوت ۲۰۰۹، علی عبدالله صالح دیکتاتور وقت یمن مدعی شد مبارزان شیعه مایل به برقراری آرامش نیستند و بدین ترتیب درگیری‌ها را از سر گرفت. عربستان سعودی و مصر نقش پررنگی در حملات ارتش یمن به شیعیان و سرکوب آنها ایفا کرده‌اند.

استان صعدة به عنوان کانون درگیری‌ها میان عربستان و یمن قرار دارد که موقعیت مبارزان شیعه را حساس کرده است.

حسین الحوثی (نخستین رهبر مبارزان) توانست قبایل زیدی را متحد کند. این قبایل در حاشیه شمالی یمن زندگی می‌کردند.

بحران داخلی یمن از سال ۲۰۰۳ و با موضع‌گیری شیعیان زیدی بر ضد آمریکا و اسرائیل آغاز شد. طی این درگیری‌ها بسیاری از شیعیان یمن شامل زیدی‌ها و دوازده امامی‌ها قتل عام شدند. عربستان، القاعده و آمریکا به صورت متحد با حکومت یمن، بر ضد شیعیان عمل می‌کنند. در سال‌های اخیر شیعیان با هجوم نظامی، تبلیغاتی و سیاسی سختی روبه‌رو شدند.

اشتباهات صندا در مدیریت بحران‌ها و ناسامانی‌های سیاسی و اقتصادی در استان‌های جنوبی یمن سبب همدردی و همبستگی مردم یمن- چه سنی و چه شیعی- با جنبش الحوثی‌ها شده است که اکنون با انصارالله در صحنه داخلی یمن خودنمایی می‌کند.

وضعیت شیعیان

با نگاهی به چگونگی زندگی شیعیان یمن، روشن می‌شود در زمان حکومت دولت یمن، شیعیان در محرومیت کامل فرهنگی بوده‌اند و نیز با دشواری‌ها و چالش‌های زیادی روبه‌رو بوده‌اند. مانند: نداشتن حق تاسیس مدارس دینی، آزار و شکنجه و زندانی شدن علمای شیعی، جلوگیری از برگزاری مراسم‌هایی مانند جشن در عید غدیر. ولی با تمام محدودیت‌ها، آنان مراسم مذهبی خود را به طور پنهانی برگزار می‌کنند. شیعیان یمن همواره از سوی گروه‌های تندرو وابسته به وهابیون سعودی در یمن مورد آزار و اذیت قرار داشته و مساجد آنها بارها تخریب شده و کتاب‌های مقدس آنها همچون نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه هم از سوی وهابیون به آتش کشیده شده است.

در میان شیعیان دوازده امامی و شیعیان زیدی هماهنگی و اتحاد خاصی حکمفرماست. سازمان وحدت شیعیان جزیره در یمن در این جهت فعالیت می‌کند.

همچنین پس از پیروزی‌های حزب‌الله لبنان به عنوان مقاومت شیعی در برابر رژیم صهیونیستی، تشیع و به

ویژه شیعه دوازده امامی، رشد زیادی در یمن داشته است. پس از جنگ ۳۳ روزه لبنان روحیه بالایی در شیعیان یمن ایجاد شد، تا جایی که رسانه‌ها گزارش داده بودند که برخی از فرزندان علمای شاخص وهابی در شرق یمن به مذهب دوازده امامی گرویدند.

حکومت دینی

علی عبدالله صالح در سال ۱۹۹۰ و پس از آنکه ۱۲ سال ریاست جمهوری یمن شمالی را در اختیار داشت با اتحاد دو بخش شمالی و جنوبی یمن، ریاست جمهوری یمن متحد را برعهده گرفت. او از سال‌های میانی دهه ۲۰۰۰ با ایالات متحده آمریکا و عربستان سعودی قراردادهایی به امضا رساند. پس از آن اعلام کرد به هر نحو حتی با توسل به گزینه نظامی، گروه الحوثی را در صعدة سرکوب خواهد کرد. علی عبدالله صالح اسما شیعه زیدی است، اما عملکرد وی نمایانگر قربایت وی با بعثی‌ها و سیاست‌های ضدشیعی بود، سیاست‌های وی عموماً ضدزیدی‌ها و حامی جریان وهابیت بود.

علی عبدالله صالح که عناصر وهابی مانند شیخ‌الاحمر یا عبدالمجید الزندانی جایگاه والایی در دوره ۳۱ ساله حکومتش داشته‌اند با اعطای پناهندگی سیاسی به عناصر حزب بعث پس از جنگ آمریکا و عراق، به «صدام صغیر» مشهور شد.

علی صالح در زمان جنگ ایران و عراق با اعزام سربازان گارد ریاست جمهوری یمن به حمایت از صدام متجاوز در جنگ علیه ملت ایران شتافت.

حکومت یمن چه در دوران صالح چه دوره فعلی به دولت عربستان بسیار نزدیک بوده است. این امر باعث افزایش فشار بر شیعیان ساکن در استان‌های مرزی یمن با عربستان شده است.

انقلاب مردم تونس و مردم مصر علیه زین‌العابدین بن علی و حسنی مبارک سبب خیزش مردم یمن علیه علی‌عبدالله صالح شد، اعتراضات سراسری در یمن مجموعه‌ای از راهپیمایی‌های خیابانی، اعتراضات و نافرمانی‌های مدنی علیه حکومت یمن و رئیس‌جمهور آن، علی عبدالله صالح را به همراه داشت که از ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ میلادی، در این کشور آغاز شده و در ۳ فوریه (روز خشم) مخالفان به اوج رسید که با برخوردهای خونی و خشونت‌آمیز حاکمیت با مردم معترض روبه‌رو شد که صدها کشته به جا گذاشت.

درباره دلایل انقلاب مردم یمن باید گفت حکومت علی‌عبدالله صالح طی سال‌های اخیر با استفاده از تمامی ابزارهای ممکن به دنبال تثبیت وضعیت خود در یمن بوده و با بهره‌گیری از حمایت برخی کشورهای خارجی به ویژه عربستان و آمریکا حتی به استقبال بحران‌هایی نظیر نبرد با شیعیان الحوثی رفت. ورود به عرصه درگیری‌های نظامی با گروه‌های مبارز شیعی که طی نزدیک به هفت سال، شش جنگ تمام عیار با رزمندگان الحوثی را با حمایت عربستان به همراه داشته، رویارویی با انتفاضه مردم سرزمین‌های جنوبی یمن و خطرات ناشی از فعالیت‌های شدید وهابیت در این کشور در کنار نارضایتی شدید مردم از اوضاع سیاسی، اجتماعی و به خصوص اقتصادی مهم‌ترین متغیرهای به وجودآورنده این فضای چالش‌زا برای نظام سیاسی این کشور بوده است.

با افزایش شمار کشته و زخمی شدگان اعتراضات در یمن، حتی تعدادی از نمایندگان پارلمان این کشور از مقام خود استعفا کردند.

اعتراضات مردمی یمن سرانجام در ۱۱ فوریه ۲۰۱۱ به سرنگونی رژیم علی‌عبدالله صالح منجر شد، اما دخالت عربستان و آمریکا، سبب شد تا انقلاب مردم این کشور به نتیجه نهایی خود که برپیده شدن بقایای رژیم علی‌عبدالله صالح بود، نرسد و عبدریه منصور هادی با دخالت عربستان به مردم یمن تحمیل شد.

درگیری بین شیعیان شمال یمن و دولت مرکزی از سال ۲۰۰۴ آغاز شد. دولت، ساکنان این منطقه را به تلاش برای جدایی‌خواهی و احیاء حکومت شیعه در این منطقه که در کودتایی ۱۹۶۲ سرنگون شده بود، متهم می‌کرد. در حالی که گروه الحوثی با رد این اتهام تاکید می‌کرد مبارزان و شیعیان این منطقه تنها خواهان برخورداری از حقوق طبیعی خود هستند که دولت مرکزی تحت فشار وهابی‌ان افراطی عربستان از آنان

انصارالله طلایه‌دار، حرکت حوثی‌ها



سلب کرده است.

عربستان سعودی در این درگیری‌ها نقش پررنگی داشته است، برخی این موضوع را که یمن فقیرترین کشور عرب و از ده کشور فقیر دنیاست، دلیلی برای نقش دیگر کشورها از جمله عربستان در این درگیری می‌دانند. در جریان درگیری‌های سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹ میلادی نزدیک به ۴۰۰۰ تن از نیروهای دوطرف کشته و بنا به گزارش کمیساریای عالی سازمان ملل متحد بیش از ۲۰۰،۰۰۰ نفر آواره شدند. به گفته الحوثی‌ها، عربستان بیش از ۷۰ بار با جنگنده‌های خود این منطقه را بمباران کرد.

سازمان‌های حقوق بشر یمن حملات هوایی نیروهای یمن، عربستان و آمریکا علیه ساکنان استان صعدة را محکوم کردند و آن را جنایات جنگی دانستند.

قیام الحوثی

حسین بدرالدین الحوثی، نماینده شیعیان صعدة در مجلس و دبیر کل حزب الحق که به تدریس و تفسیر قرآن و نیز برگزاری مراسم مذهبی برای شیعیان صعدة می‌پرداخت، در ۱۷ ژانویه ۲۰۰۲ خواستار تحریم کالاهای آمریکایی و اسرائیلی شد. وی شعار الله‌اکبر، مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، نفرین بر یهود و پیروز باد اسلام را شعار رسمی شیعیان منطقه اعلام کرد و در مورد قضایای پیش آمده از مسلمانان خواستار تسکین به آموزه‌های قرآن و اهل بیت شد.

پس از این خواسته الحوثی، جمعیت زیادی از مردم یمن از آن استقبال کردند. گروهی از جوانان شیعه، گروهی را با نام «الشباب المومن» شکل دادند که مبارزه و مخالفت با آمریکا و اسرائیل و مخالفت با هم‌پیمان شدن دولت یمن و آمریکا را دنبال می‌کرد. در نمازجمعه مسجد جامع صندا، شعارهای الحوثی سر داده شد. این مسئله نگرانی بزرگی برای علی عبدالله صالح بود. پس از آن، اتهام «تروریست» علیه شیعیان به عنوان بهانه‌ای برای سرکوب آنها به کار گرفته شد و دولت یمن تلاش کرد با جلب حمایت آمریکا، معترضان را خاموش کند.

دیکتاتور سابق یمن در این راستا در سال ۲۰۰۴ در نشست سران ۸ کشور صنعتی در آمریکا حضور یافت و تلاش کرد کمک و حمایت این کشورها را به دست آورد. علی صالح بلافاصله پس از بازگشت از آمریکا، با دستوری به نیروهای ارتش، حمله سراسری به صعدة و به ویژه مناطق نشور، آل صیفی، ضحیان و مران را خواستار شد. در ۱۰ سپتامبر ۲۰۰۴ باتصرف شهر مران و کشته‌شدن سیدحسین بدرالدین الحوثی توسط دولت، پایان جنگ رسماً اعلام شد.

پس از مرگ الحوثی دولت یمن گمان کرد که بر منطقه و شیعیان صعدة مسلط خواهد شد؛ اما پس از این نبردهایی میان الحوثی‌ها و ارتش یمن ادامه یافت که «جنگ دوم ارتش یمن» نام گرفت. شهرت روز افزون «حسین الحوثی» میان مردم یمن و دادن لقب «شهید» به وی، با نشر و گسترش افکار الحوثی همراه بود که در سال‌های قبل در قالب کتاب و سخنرانی منتشر کرده بود. جمعیتی از استان‌های دیگر به ویژه منطقه حیدان برای یاری شیعیان و بازسازی مناطق ویران شده صعدة، راهی آنجا شدند. در این هنگام ارتش یمن برای زهرچشم گرفتن، حملات هوایی و زمینی بسیار انجام داد که در پی آن صدها غیرنظامی کشته و زخمی شدند.

این حملات در اواخر ژانویه ۲۰۰۵ آغاز شد که با گسترش عملیات نظامی، از کوه مرآن به شهرستان حیدان رسید.

علامه بدرالدین الحوثی پدر حسین الحوثی، رهبری این نبرد را از طرف شیعیان برعهده گرفت. در همان آغاز جنگ ۲۳ تن از الحوثی‌ها و ۸ تن از نیروهای ارتش کشته شدند و نیروهای دولتی ۵۱ تن از مبارزین را

دستگیر کردند.

بدرالدین الحوثی پس از کشته شدن فرزندش سکونتش در صندا را رها کرد و به کوهستان‌های صعب‌العبور صعدة رفت. وی که فردی فقیه و بسیار موجه از نظر فقهی و علمی در یمن بود، پیشنهاد دولت را برای دریافت حقوق ماهیانه و همراه داشتن ۲۰۰ محافظ برای تردد در کشور نپذیرفت و به نبرد با دولت مرکزی در شمال یمن پرداخت.

شهروندان ساکن نشور و حیدان پس از جنگ دوم دولت یمن علیه شیعیان، به کوه‌های اطراف پناه بردند. در ۲۷ مارس ۲۰۰۵، دولت یمن پایان جنگ دوم را اعلام کرد.

پس از پایان جنگ دوم با وجود اعتراضات داخلی و بین‌المللی به کشتار شیعیان یمن، مبارزان شیعه مانعی برای تقویت روابط دولت یمن با آمریکا و عربستان سعودی بودند. در این بین دولت یمن به تقویت فشارها و محدودیت‌ها بر شیعیان و کشتار آنان روی آورد. سادات هدف حملات نظامی قرار گرفتند و جلوی برگزاری هرگونه مراسم مذهبی گرفته شد. دکتر عصام‌العماد از علمای شیعه یمن در این باره می‌گوید: «دولت یمن به دستور ژنرال علی عبدالله صالح به مساجد شیعیان حمله کرد، تمامی کتاب‌های مقدس از جمله نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه در صعدة و صندا جمع‌آوری شدند و با کامیون به میدان مرکزی شهر صندا به نام «ساحه الحریره» (میدان آزادی) برده شدند و در برابر چشم مردم پایتخت به آتش کشیده شدند. نیروهای نظامی به فرماندهی ژنرال علی محسن الاحمر حملاتی به مناطق شیعه‌نشین داشتند و در این میان سلاح‌های شیمیایی و بمب‌های خوشه‌ای به کار بردند. برای بازدارندگی از جنبش شیعیان نظامیان یمنی از جمله پس از سوزاندن پیکرهای برخی رزمندگان شیعه، آنان را با طناب به خودروهایی نظامی بستند و پیشاپیش چشم مردم کیلومترها روی خاک کشیدند.»

وهابی‌های سعودی و بعثی‌های عراقی که بیشتر آنان پس از سقوط بغداد به یمن گریختند، نفوذ چشمگیری بر دولت یمن داشته و موجب حمله نظامی به مناطق شیعه‌نشین شده‌اند.

جنگ سوم در مارس ۲۰۰۶ به رهبری عبدالملک الحوثی برادر کوچک حسین آغاز شد. آغاز این جنگ در دفاع از پایگاه‌های شیعیان زیدی بود که از سوی نیروهای ارتش مورد تجاوز قرار گرفته بودند محدوده جغرافیایی آن شامل شهرستان‌های حومه صعدة همچون ساقین، المجز و حیدان بود که در ادامه این دامنه گسترش یافت و تا مرکز استان صعدة کشیده شد. این جنگ در برهه مسائل انتخابات ریاست جمهوری و شهرداری‌ها در دسامبر ۲۰۰۶ با توافقی میان طرفین متوقف شد.

نیروهای دولتی با هدف اعلام آزادی برخی سربازان که به اسارت درآمده بودند به یکی از استحکامات الحوثی‌ها در ارتفاعات هجوم بردند و در ابتدای حمله بیش از ۸۰ نفر از آنان کشته شدند.

دولت یمن پاکسازی مناطق شیعه‌نشین در سراسر کشور را هدف خود اعلام کرد و از جمله پایتخت (صندا)، مأرب، جوف، حجه و دیگر شهرها را تحت حملاتی شدید قرار داد. در این حملات صدها تن از فعالان سیاسی و فرهنگی را دستگیر و روانه زندان کرد.

جنگ چهارم در آوریل ۲۰۰۷ رخ داد. در این جنگ جنبش جوانان مؤمن تمامی استان صعدة را به محل عملیات نظامی علیه ارتش یمن تبدیل کرد و در آن به مؤسسات و نهادهای دولتی، امنیتی و نظامی آسیب و خسارات جدی وارد شد.

در این جنگ مانند جنگ‌های پیشین، الحوثی‌ها از عملیات چریکی علیه ارتش یمن استفاده می‌کردند. این جنگ با عقب راندن ارتش یمن از مواضع و استحکامات کوهستانی شیعیان پایان یافت. پس از آن عبدالملک الحوثی برادر حسین بدرالدین به عنوان رهبر محبوب شیعیان زیدی شناخته شد.

جنگ پنجم اما در فوریه ۲۰۰۸ و با رهبری عبدالملک الحوثی شروع شد. الحوثی‌ها از سلاح‌های متوسط و سنگین علیه ارتش استفاده کردند.

ادامه در صفحه بعد

انتقاد حضرت آیت الله شبیری زنجانى از تبدیل نظام آموزشی حوزه های علمیه به نظام دانشگاهی

حضرت آیت الله شبیری زنجانى، همزمان با آغاز سال تحصیلی حوزه ها در جمع شاگردان خود مدرک گرایى و اجرای سیستم آموزشی دانشگاه در حوزه را آفت های حوزه امروز دانست.

ایشان در این باره گفت: الان یک طلبه را وادار می کنند در سال چندین درس متعدد مثل تفسیر و فلسفه و فقه و اصول بخوانند. این کار اشتباه است. انسان باید اهم و مهم کند. چیزی که برای یک طلبه لازم است فقه و اصول است. باید به طلبه گفت همه وقت را روی فقه و اصول بگذارد تا ملا شود.

آیت الله شبیری زنجانى با اشاره به خاطره ای از امام خمینی (ره)، اجرای شیوه کنونی در حوزه را مغایر با خواست ایشان دانسته و افزود: یک روز برای گرفتن کتاب فلسفه به آقای خمینی مراجعه کردم. ایشان به من گفتند شما همین فقه و اصول را جدی بگیرید چون برای طلبه لازم است. اما در شیوه ای که الان اجرا می شود تمرکز طلبه در چندین درس باید تقسیم شود و دیگر طلبه خوب نمی تواند به فقه و اصول بپردازد.

مرجع تقلید شیعیان با انتقاد از سیستم زمان محور برای دروس حوزه گفت: ما با این شیوه که این کتاب را حتما تا فلان مدت بخوانید مخالفیم. درس محدودیت بردار نیست. گاهی باید روی یک عبارت مدت ها مطالعه و تفکر داشت. من یک روزی درس می دادم. به من گفتند این درس را تا پایان سال تمام کن گفتیم با این شیوه درس نمی گویم. ایشان افزود: حوزه اداره نیست که درس زود یا دیر تمام شود. با این شیوه دیگر نمی توان انتظار داشت امثال شیخ طوسی و شیخ مرتضی انصاری از حوزه بیرون بیایند. الان برخی از طلبه ها می گویند ما یک محدوده را تمام نکرده سال بعد به محدوده دیگر می رویم. خب این کار درست نیست. وی مدرک گرایى را آفت دیگر حوزه ها دانست و گفت: مدرک گرایى سقوط علمی می آورد. وقتی که پای مدرک به میان می آید دیگر علم ملاک نیست همه به دنبال این هستند که برای خودشان مدرکى دست و پا کنند.

حکومت حاکمان مستبد با آن روبه رو بوده است، شکل گرفته است.

بازی اشتباه و اقدامات تحریک آمیز حاکمیت علیه این عنصر، نقش برجسته ای در صحنه بین المللی و رسانه ای ایفا کرد، ابتدا این جنبش به عنوان یک جنبش متمدن و عصیانگر و سپس به عنوان یک جنبش انقلابی و در ادامه به عنوان یک بازیگر اساسی در یمن به سبب داشتن پایگاه عظیم مردمی و محبوبیت گسترده ای که از آن برخوردار است، تبدیل شد. جنبش انصارالله توانسته است که توازن کلی در کشور یمن ایجاد کند و فرصت پیشرفت و انحصارطلبی در تعیین سرنوشت را از جریان های افراطی گرفته و حتی به سرکوب گروه های تروریستی و جلوگیری از حرکت و گرایش فکری مسلحانه به سمت جنوب کمک کند، فعالیت گروه های تروریستی در مناطقی که انصارالله حضور کمتر دارند یا اصلا حضور ندارند، همانند جنوب و البیضاء تأثیرگذاری بیشتر جنبش انصارالله را نشان می دهد. این جنبش نقش مثبتی در برقراری امنیت و ثبات در استان هایی ایفا می کند که در آن حضور دارد. به نظر می رسد رشد سریع جنبش انصارالله و همراهی توده های مردم یمن با این جنبش، بیش از همه، صنعا، ریاض و واشنگتن را نگران کند که تاکنون تلاش های گسترده ای برای سرکوب قیام مردم یمن انجام داده اند و احتمال توطئه جدید با مشارکت صنعا، سعودی ها و آمریکا برای مهار این جنبش و ارتکاب جنایات جدید در یمن از سوی مزدورانشان بعید نیست.

منبع: تسنیم

رهبر معظم انقلاب:

تشکیل ائتلاف با عنوان مبارزه با داعش، تو خالی و جهت دار است



کردند از ایران برای مبارزه با داعش دعوت نخواهند کرد، افزودند: اینکه آمریکا از ایران برای حضور در یک کار خلاف و غلط دسته جمعی مایوس می شود، مایه ای افتخار ما است و افتخاری بالاتر از این، برای خود نمی دانیم.



حضرت آیت الله خامنه ای، سپس به منظور نشان دادن دروغ گویی آمریکایی ها برای مبارزه با داعش، جزئیاتی را از پشت پرده این ماجرا بیان کردند. ایشان گفتند: در همان روزهای سخت حمله داعش به عراق، سفیر آمریکا در عراق طی درخواستی از سفیر ما در عراق می خواهد که ایران و آمریکا جلسه ای برای مذاکره و هماهنگی در خصوص داعش داشته باشند. رهبر انقلاب اسلامی گفتند: سفیر ما در عراق، این موضوع را به داخل کشور منعکس کرد که برخی مسئولان هم با این جلسه مخالفتی نداشتند اما من مخالفت کردم و گفتیم در این قضیه ما با آمریکایی ها همراهی نمی کنیم زیرا آنها نیت و دست آلوده ای دارند و چگونه امکان دارد که در چنین شرایطی ما با آمریکایی ها همکاری کنیم.

حضرت آیت الله خامنه ای با اشاره به سخنان چند روز پیش وزیر امور خارجه آمریکا و اعلام این موضوع

جنگ ششم در آگوست ۲۰۰۹ آغاز شد. این جنگ، تمام عیار و گسترده بوده و کشتارها و قتل عام ها، از عصبانیت و فشارهای روانی فرماندهان ارتش صنعا در اثر کسب نشدن مقاصد در جنگ های گذشته خبر می داد. این جنگ با هماهنگی سیاسی، نظامی و امنیتی میان ریاض و صنعا انجام شد. برخلاف مسلح بودن ارتش یمن به انواع سلاح ها، دولت یمن نتوانست خود را به عنوان پیروز این جنگ قلمداد کند.

کشتار کودکان و زنان شیعی در صعه و روستاهای محروم بی ثمر بودن برنامه ها و طرح های راهبردی دولت یمن را نشان می داد. در این جنگ صدها نفر از مردم و نیروهای نظامی کشته شدند و صدها تن از علما و فعالان سیاسی و فرهنگی به دست نیروهای امنیتی ترور شده و یا به زندان افتادند.

جنگ ششم نشانگر تقویت اقتدار نظامی و عملیاتی شیعیان در رویارویی با نیروهای دولتی است. شیعیان تا نیمه های جنگ موفق به انهدام سه فروند هواپیمای جنگنده سوخو، یک فروند بالگرد نظامی و ده ها دستگاه از تانک های ارتش شدند.

از ۱۱ اوت ۲۰۰۹ درگیری ها بالا گرفت و ششمین جنگ (عملیات زمین سوخته) میان دو طرف آغاز شد. این درگیری به خاک عربستان سعودی هم کشیده شد و سبب شد ارتش عربستان به مواضع این گروه حمله کند. در این درگیری ها حکومت مرکزی یمن و مداخله برخی کشورها (عربستان و آمریکا) در یک طرف و مبارزان الحوثی و جدایی طلبان جنوب این کشور در طرف دیگر بودند. این درگیری ها در ۱۲ فوریه ۲۰۱۰ با فرو نشستن

ادامه از صفحه قبل

دایره عملیاتی این جنگ استان صعه، منطقه بنی حبشیش (بخشی از صنعا) و منطقه حرف سفیان (بخشی از استان عمران) بود و نشانگر گسترش دامنه عملیات نظامی و تحول کیفی در عملکرد نظامی الحوثی با صنعا بود که باعث ایجاد نگرانی برای مقامات دولتی شد.

توافقتنامه دوحه

ژنرال علی عبدالله صالح در این شرایط میانجیگری قطر را پذیرفت. دو طرف به توافقتی در این زمینه دست یافتند. براساس توافقنامه دوحه که با نظارت امیر قطر برای برقراری صلح میان الحوثی ها و دولت یمن به امضا رسید دو طرف متعهد می شدند که عملیات نظامی علیه یکدیگر را متوقف کنند. دولت یمن باید الحوثی ها را مورد بخشش قرار می داد و اسیران دو طرف باید آزاد می شدند. الحوثی ها باید سلاح هایی را که از نیروهای دولتی به غنیمت گرفته بود به ارتش بازمی گردانند. کنترل استان صعه برعهده دولت مرکزی بود و گروه الحوثی برای فعالیت خود باید یک حزب سیاسی تشکیل می داد.

این توافقنامه فقط درباره تبادل اسیران جنبه اجرایی به خود گرفت و دیگر بندهای آن اجرایی نشد. دو طرف درگیر، یکدیگر را به نقض مفاد توافق دوحه متهم می کردند.

برخی قبول این توافق از جانب دولت یمن را کسب فرصتی برای بازسازی و ترمیم قوای نظامی اش می دانستند که پس از یک جنگ روانی و تبلیغاتی که همزمان در صنعا و ریاض آغاز شد، زمینه ها برای جنگ ششم فراهم شد.

عملیات زمین سوخته

ادامه از صفحه اول

اینها علاوه بر محوطه بزرگ و حیاط و اتاق در بسته ملاقات، بند شماره ۲ را که ۱۰ اتاق کوچک و بزرگ دارد و بیش از ۱۳۰ معتاد در آنجا به سر می‌برند، تخلیه کرده و آن بیچاره‌ها را در بندهای دیگر انباشته و این بند را به میدان عملیات خود اختصاص داده‌اند. در همان دفتر افسران، رفت و آمد پی در پی مأمورین را می‌دیدم و گاهی سروصدای جگرخراشی را از ناحیه شرقی زندان که فقط اتاق ملاقات و بند ۲ بود، می‌شنیدم. همین که احساس می‌کردند، متوجه شده‌ام، درها را می‌بستند و صداها را خاموش می‌کردند.

در روز پنج‌شنبه دو نفر برای بازجویی من آمدند که بعد معلوم شد از بازجویان حرفه‌ای هستند که به تناسب اشخاص و اوقات، حرکات گوناگون انجام می‌دهند و قیافه‌های مختلف به خود می‌گیرند. اینها کسانی هستند که گاهی قیافه پلیس به خود می‌گیرند، شلاق بر می‌دارند، دستبند می‌زنند، جست و خیز می‌کنند، برافروخته می‌شوند و گاهی از در محبت و دلسوزی درمی‌آیند! گاهی ناگهان از جا بلند می‌شوند و آهسته، چنان که بعضی از جملات به گوش کسی که در معرض بازجویی است، برسد، با هم نجوا می‌کنند. گاهی خود را مسلمان مقدس و با دیانت معرفی می‌کنند. بعدا معلوم شد این دو نفر (سیاحتگر و زمانی) شکنجه‌ها داده‌اند و کسانی را در زیر شکنجه از میان برده‌اند. معلوم است با من با کدام یک از قیافه‌ها نمایان خواهند شد. سقراط می‌گوید: «در نفس این گونه اشخاص، گویا جانوران مختلفی نهفته است که به تناسب محیط سر بیرون می‌آورند. گاهی پلنگ و گاهی روباه... آنچه در ضمیر اینهاست، ضمیر انسانیت و عواطف عالیه نیست!»

در اولین جلسه، تظاهرات دینی شروع شد. آن یکی می‌گفت: «من با توده‌ای‌ها چنین و چنان کردم؛ ولی هر چه انجام دادم، برای پول و درجه نبوده و فقط برای رضای خدا و انجام وظیفه دینی بوده.» آن دیگری پس از اینکه گفتم: «برای من باید محرز باشد که شما مسلمانید و از فرق ضاله نیستید تا جواب شما را بگویم.» گفت: «به شما نشان خواهم داد که من کتابی در رد بهائی‌ها نوشته‌ام و آنها را با کمونیست‌ها در عقیده و هدف یکی می‌دانم و زن من حجاب دارد و بچه‌ام با آنکه ده سال بیشتر ندارد، تمام احکام نماز را می‌داند و خودم هم نماز می‌خوانم و اگر قبول ندارید، بچه را در همین زندان می‌آورم، پیش شما امتحان بدهد.» ولی در مدت این پنج روز که صبح و شب هر دو به نوبت از من سؤال می‌کردند، چیزی که از اینها ندیدم، نماز خواندن بود. به قول کسی که می‌گفت: «این شخص بسیار متدین و خوبی است. روزه خوردنش را دیده‌ام؛ اما نماز خواندنش را ندیده‌ام!»

ابتدا بازجویی‌ها در اطراف ارتباط و آشنایی من با اشخاص بود. نسبت به بعضی‌ها که وضعشان روشن بود و از دوستان نزدیک ما هستند، گاهی چندین سؤال و مدتها وقت تلف می‌کردند و نسبت به بعضی با یک سؤال رد می‌شدند و معلوم بود از باب خالی نبودن عریضه است... بازجویی مرا هم به عقیده خودشان، به حسب وضع و حرفه‌ای که دارند برای موقعی گذارده بودند که وضع روحی و جسمی من را به وسیله‌ای ناراحت کنند؛ چون کارهای خود و وظایف محوله را از زجر و شکنجه نسبت به دیگران انجام داده بودند و آنچه را که خود می‌خواستند و تلقین می‌کردند، اعتراف گرفته بودند.

ساعت از ۱۰ شب یک‌شنبه گذشته بود و در آن روز، خواب و غذای مناسبی هم فراهم نشده بود. مرا به بند ۲ آوردند و در اتاق شماره ۱ که از همه اتاقها تاریکتر و گرمتر بود، جای دادند و غدغن کردند کسانی که در اتاقهای دیگر بودند، حتی برای روشویی هم از سمت من عبور نکنند. در این اتاق زیلویی کثیف و پر از غبار و شیشه خرده بود و هیچ گونه وسیله خواب و استراحت

بخشی از خاطرات خودنوشت آیت‌الله طالقانی در سال ۱۳۴۱

غذا و دارو و آه و ناله شکنجه‌ها زجرآورتر بود و با آن حال بیماری و گرمای زندان، اینها به کار خود ادامه می‌دادند... آنها فقط مأموریت دارند به هر وسیله ممکن، به قول خودشان متهم را مجرم بشناسانند و برایش [پرونده] بسازند. آیا اینها را می‌توان بازجویی بی‌نظر نامید؟ آیا اینها می‌خواهند حقیقتی را کشف کنند یا باید برحسب مأموریتی که دارند، منظور آمرین را، با هر نوع رفتار خلاف مروت و انسانیت و شکنجه، اهانت، زدن، فشارهای روحی، گرسنگی، مانع خواب شدن در جای گرم و تاریک و او را در جایی پر از حشرات نگهداشتن، در مستراح منزل دادن و تهدید به کشتن نمودن، برآورده سازند و از این طریق اشخاصی را وادار به دادن تفرنامه و تعهد کتبی نمایند؟

آنها متهم را هشت روز در میان آفتاب گرم حیاط و بدون مستراح و زیر آفتاب و در زندانهای مجرد نگه می‌دارند و حتی مدتی پس از تمام شدن بازجویی و بازپرسی، از قلم و کاغذ و قرآن و کتاب دعا و ملاقات با خانواده خبری نیست و با عجله هرچه بیشتر، برایش پرونده می‌سازند و حتی ادعانامه محکم و مستدل و قانونی تنظیم می‌کنند و برای افراد و جمعی محکمه می‌آریند تا پس از زجر و زندانهای طولانی، روح دمکراسی و آزادی خود را به کشورها و مردم دنیا و کمک‌دهندگان نشان دهند...

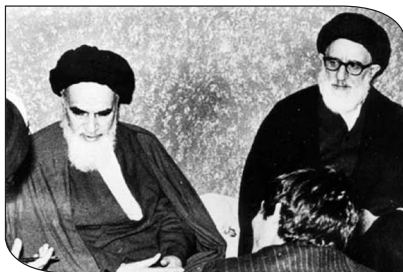
از جهت مقام روحانیت و مصونیت آن بنا بر نص صریح قانون اساسی، هر عملی از فرد مجتهد، باید مطابق با موازین اجتهاد باشد و بنابراین مجتهد به آنچه تشخیص می‌دهد، عمل می‌کند و اهل کتمان و انکار هم نباید باشد؛ اما بازجوها یکسره از وظیفه‌ای که نص قانون بر عهده آنها گذارده بود، منحرف بودند و رعایت آزادی و بی‌طرفی را در تحقیق و تطبیق نمی‌کردند و لذا من هیچ الزامی به جواب نداشتیم و آنچه مرا وادار به جواب می‌کرد، بیش از همه روشن شدن مطلب برای خودم بود که بدانم مرا به چه اتهامی جلب کرده و چرا کسان و پسران و دوستان مرا با این وضع و فشار به زندان انداخته‌اند؟ آنچه بیش از این حدس و گمان می‌بردم که در دستگاههای انتظامی و سازمانی، عمال ضد اسلام و روحانیت نفوذ دارند و می‌خواهند جنبش‌های دینی و ملی را به هر وسیله ممکن خاموش کنند، اینک می‌خواستم خوب و از نزدیک درک کنم تا در پشت نقاب چهره این مسلمان‌نماها، قیافه‌های دیگران را خوب بشناسم.

به هر حال خواسته‌اند هرچه می‌توانند، پرونده را قطور کنند و برگه‌های مختلف را از هر جا که به دستشان آمده بود و از اشخاص مختلفی که هیچ ارتباطی با من ندارند، در آن گنجانده بودند. شایسته بود پرونده معتادین و متهمین به قتل را هم که با ما هم زندانند، در آن بگنجانند تا قطورتر شود، چون معلوم است که بزرگی جرم، به اندازه حجم پرونده است. به همین دلیل کسانی که همه قوانین و حدود را در هم شکسته یا میلیونها تومان از بیت‌المال به جیب زده‌اند، یا هیچ پرونده‌ای ندارند یا چون چند برگ بیشتر نیست، مجرم شناخته نشده‌اند. نمی‌فهمم. ای کاش کسی باشد که به من بفهماند که از اول عمرم تا چهارم خرداد که از زندان آزاد شدم، پرونده‌ام بیش از چند برگ نیست و در مدت ۱۰ روز پس از آزاد شدن و یکسره از تهران بیرون رفتن، قطور شد که یکمتر به این پرونده ورم کرد و آبستن شد و این ادعانامه حلال‌زاده و این محکمه از آن متولد شد؛ این را می‌گویند معجزه و توجه اولیا؛ چون هرچه فکر می‌کنم، گناه من و مراجع دینی که نایب امام زمان (عج) و خلفای پیامبران هستند، چیست؟ خودم هم نمی‌فهمم...

با آن همه شتابزدگی که آقایان بازجوها و دیگر مأمورین برای تکمیل این پرونده و بازجویی داشتند، پی در پی می‌آمدند و می‌رفتند و وقت و بی‌وقت از من در هنگام بیماری و ناتوانی سؤالاتی می‌کردند و می‌نوشتند و حتی گاهی دیگج نمازخواندن هم نمی‌دادند، تا اینکه یکباره رفتند و دیگر برنگشتند و بازجویی را متوقف کردند. چند روز بعد هم روی همین بازجویی، مرا برای بازپرسی به دادستانی خواستند، با آنکه مقام بازپرسی قانونا (ماده ۱۴۴) و به حسب موقعیت و مسئولیت بیشتری که دارد،

ادامه در صفحه بعد

برای چند تن محکمه و محاکمه‌ای تشکیل می‌دادند و آنها یا مؤاخذه می‌شدند یا هیأت حاکمه، خود را از این اعمال مبرا می‌کرد. در این موارد به عنوان حفظ مصالح و عناوین دیگر، هر عملی که مخالف حقوق اولیه انسانی است، باید انجام شود، ولی اگر یک ورق پاره بی‌سروته به دست می‌آوردند یا اعلامیه‌ای که از اصول و موازین دین و قانونی طرفداری کرده و قانون‌شکنی‌ها و بی‌بند و باری‌های هیأت حاکمه را تذکر داده بود، ناگهان چهره قوانین و مواد و حکومت قانونی و رژیم مشروطیت آشکار می‌شود و به صورت شلاق و تازیانه و زندان و گلوله درمی‌آید و بر پیکر همانهایی که نشریات و اعلامیه و



خطابه‌هایشان سراسر ناله و استغاثه از قانون‌شکنی و پایمال شدن قوانین اساسی و حقوق است، می‌نشیند. به هر حال با آنکه همان روز طیب زندان آمد و مرا معاینه کرد و فشار خونم را مضطرب و در حال نوسان بین ۱۱ و ۱۶ تشخیص داد و قلب و اعصابم را ناراحت دید و اعلام خطر کرد، ولی اینها باید مأموریتشان را که به اصطلاح تکمیل پرونده است، زود انجام دهند و به سراغ دیگران بروند. آنها چه توجهی به جان مردم یا حیثیت و عنوان کسی دارند و چه ارزشی برای اشخاص و شخصیت‌ها قائلند؟ بماند که شخصیت و عالم در چنین محیطی «ذنب لایغفر» است. باید همه غلام و برده گوش به فرمان و مجری امر باشند. پس از آن هرچه سراغ آن طیب را گرفتم، نشان ندادند. در مدتی که در بهداری شهربانی بستری بودم، حالش را پرسیدم، گفتند مدتی است نمی‌آید. گویا برای همین که آمد و مرا معاینه کرد و نظر داد که وضع حالش خوب نیست، مورد مؤاخذه واقع شده است.

این بازجویان محترم که به حد کافی هم ایرانی محض و طرفدار قوانین و اصول کشوری و دیندار بودند، هر ساعتی یک رو و یک چهره خود را آشکار می‌کردند. هر جا که جواهرها مطابق میل و دستوری که داشتند و تصمیمی که گرفته بودند، نبود، به اهانت می‌پرداختند و به انسان نسبت دروغ‌گویی می‌دادند. گاهی هم برای باور کردن من، به اجدادم و جده زهرا قسم می‌خورد «و یشهد الله علی ما فی قلبه و هو الذ الخصام!» گاهی که چهره دیگری آشکار می‌شد یا می‌گفتم من هیچ عکس‌العملی نشان نمی‌دهم، بلند شو مرا بز (تا بر شرافتم بیفزاید)، می‌گفت: «نمی‌زنم تا دلت بسوزد.» در این وقت، چهره ملایم و خیرخواهانه و مؤدب به خود می‌گرفت و می‌گفت: «این چه صحنه و بازی است که به راه‌انداخته‌اید؟ یکی باید آب باشد و دیگری آتش.» همین جناب سرهنگ متدین و محترم، گاهی از جا می‌جست و هفت قدم رو به قبله گام بر می‌داشت و دو دستش را به طرف قبله حرکت می‌داد و می‌گفت: «به این حضرت عباس قسم، مطلب این طور نیست یا این طور است».

قدر مسلم این بود که اینها مأمور بودند به هر وسیله و با هر توسلی برای من پرونده‌ای بسازند تا هم برای شخص من و هم برای روحانیت عبرت شود تا دیگر در سیاست دخالت نکنند. به قول روزنامه و بلندگوهای هیأت حاکمه: «روحانیت را با سیاست چه کار؟ دین از سیاست جداست.» می‌خواستند مرا بکوبند تا جمعیت اصیل دیندار و ملی نهضت آزادی را بکوبند... این مثل آفتاب روشن است که همان طور که بارها از زبان خودشان شنیدم، خواسته بودند مرا بکوبند و باید وسیله و بهانه و پرونده‌ای می‌ساختند و محکمه‌ای می‌آراستند؛ چون در کشور، قانون و دمکراسی و مشروطه وجود دارد و یک ذره هم نباید از حدود قوانین و مقررات خارج می‌شدند.

به هر حال با حرکات و اطوار گوناگون که برای وضع مزاجی و روحی من، از شکنجه نامساعد بودن جا و نبودن

فراهم نبود. در اتاق را از پشت بستند و روزنه آن را هم گرفتند و پاسبانی را که از جهت شقاوت و حماقت، در میان همه پاسبانان مشخص بود، مأمور مراقبت کردند. وقتی مطالبه غذا کردم، گفتند: «وقت گذشته و غذایی نیست.» وقتی از آن پاسبان خواستم که به روشویی بروم و مهر نماز خواستم، شروع به بدگویی کرد. وقتی به او گفته شد: «سید و عالم است»، به هرچه سید و عالم است، ناسزا گفت!

صدای زجردهنده‌ها و دستبندهایی که به در اتاقها آویخته یا به دست زندانی بسته بودند و ریزش شدید آب روی حلبی بنزین که در محوطه و حیاط پیچیده بود، گویا وسیله‌ای برای بی‌خوابی و ایجاد وحشت و نشیندن صدای زندانیان بود. گرما و خفگی هوا در اتاق، تشنجی بر اعصاب، فشار می‌آورد. از دور در میان این صداها، صداهاى آشنایی به گوش می‌رسید که با پاسبانان صحبت می‌کردند؛ ولی حق صحبت از دور را با یکدیگر نداشتند، از روزنه سلول دور، صدای پسر ابوالحسن و خواهرزاده‌هایم را که هر یک در سلولهای جدایی بودند، می‌شنیدم. آنها می‌خواستند با صدای سرفه و صحبت با پاسبان به من بفهمانند که آنها هم در آنجا هستند، ولی معلوم نبود چه به سرشان آمده بود و در چه وضعی به سر می‌بردند. تا نزدیک صبح با اعصاب کوفته و قلب متشنج و فشار گرما بین موت و حیات به سر بردم. هر روزنه امیدی بسته بود و جز استغاثه به درگاه باری تعالی...

از آنجا که به اجداد و نیاکان ما که سعیدتر از ما بودند، به دست شقی‌تر از اینها یا مانند اینها، زجرها و شکنجه‌های سخت‌تری رسید، این رنجها و مشقات ناچیز است. سرمایه شرف و قرینه پیوستگی به آن مردان عالیقدر و مورد رضایت پروردگار گردد. با زحمت نماز صبح را ادا کردم و دیگر نمی‌دانستم در چه حال و چه عالمی به سر می‌برم، همین قدر متوجه صدایی شدم که مرا می‌خواند و به قلبم اشاره می‌کرد. دو نفر پاسبان درباره وضع حالم گفتگو می‌کردند. بالاخره معلوم شد مأمور بردن به محوطه حیاط هستند. زیر بازوهایم را گرفتند و به زحمت وارد حیاط شدم و آن دو تن را دیدم که مانند گرگان گرسنه قدم می‌زنند و از وضع و ناراحتی من لذت می‌بردند...

چون قدری به خود آدم، سؤالاتی را که قبلا ردیف کرده بودند، مقابلم گذاردند. در جواب، شرح رفتار آنها و شکنجه‌ها را بیان کردم و نوشتم: «با این وضع، آقای رئیس سازمان امنیت با غرور و افتخار می‌گوید: در دستگاه چنین رفتاری نیست؟» در جواب این مطلب، حال اضطرابی در آنها محسوس بود؛ گویا چنان از روش و رفتار چندین ساله خود خاطرجمع و تشویق شده بودند که انتظار چنین اعتراضی را نداشتند. گویا تا به حال هم هرچه به سر مردم بیچاره‌ای که در چنگال آنها گرفتار شده بودند، آورده بودند، کسی یارای اعتراضی پیدا نکرده بود، از این رو جوابی حاضر نکردند و شفاها گفتند که: «اختیار این زندان در دست ما نیست و این زندان شهربانی است؛» در حالی که تعیین محل و سلولها و حتی پاسبانهای مراقب، به دستور مستقیم آنها بود و افسرهای شهربانی، خودشان بیش از همه از آنها وحشت داشتند.

در اینجا بود که تازه متوجه شدم چرا ما و دوستان و بچه‌ها را اینجا آورده و یک بند را به این چند نفر اختصاص داده‌اند و متوجه معنای عبارت آقای رئیس ساواک شدم که می‌گفت: «در دستگاه ما این رفتارها نیست.» چون این دستگاه و زندان مربوط به شهربانی است و ایشان هم با حساب گفته‌اند! برخلاف واقع، گویا مدتی است به جهاتی برای شکنجه‌ها و آزارها از ساختمانها و اتاقهای زیرزمینی و بناهای متفرق و مفصل سازمان امنیت استفاده نمی‌کنند، مگر در مواقع استثنائی، تا به اصطلاح خودشان اگر دستگاه خوب نیست، خوبتر شود.

به هر حال منظور این است که چهره نفرت‌انگیز و موحش این گونه دستگاهها پوشیده شده، آن هم نه از نظر مردم ایران، که هیأت حاکمه ارزشی برای قضاوت و خوشامد و بد آمدن آنها قائل نیست و حیا و شرمی هم ندارد، بلکه از جهت انعکاسهای بین المللی و تأییداتی که از جهت مادی و معنوی باید بشود، تلاش می‌کند و گر نه اگر توجهی به وحشی‌گری‌ها و خونریزی‌ها و حمله‌های سبعمانه به دانشگاه و مدارس دینی می‌کردند، لاف‌

استاد مطهری از بزرگانی بودند که به شرایط زمان و مکان بسیار توجه داشتند و می‌توان در این امر از آرای آن‌ها استفاده کرد. بنابراین پاسخ به شبهات یک کار اجتهادی است در حوزه مسائل کلامی، چون بعضی سؤالات جنبه فقهی دارد، اما برخی شبهات جنبه اعتقادی دارد. سؤالات فقهی را باید به وسیله مجتهدین بررسی کرد اما سؤالات اعتقادی باید به وسیله متخصص در کلام اسلامی بررسی شود، امروز با توجه به پیشرفت علوم باید به این تقسیم بندی‌ها بیشتر توجه داشته باشیم. این که باید هر کسی متخصص یک رشته خاص باشد و در آن موضوع خاص که تخصص دارد به سؤالات پاسخ دهد تا پخته‌تر با مسائل برخورد شود.

امروز جریان‌ات تجدیدنظر طلب در اندیشه دینی هم فعالیت گسترده‌ای دارند، نگارش کتاب‌هایی یا بیان مسائل خاص ممکن است ذهن جوانان را به سمت و سوی خاصی بکشد. نهاد روحانیت واقعا در این حوزه‌ها چه اقداماتی باید انجام دهد؟

البته بیان این مطلب مسبق به سابقه است، قرآن در واقع کلام خدا و وحی مستقیم حضرت حق است به پیامبر اکرم(ص). قرآن تجربه دینی و شخص پیامبر(ص) نیست، قرآن کلام خداست. این هم بیان خود قرآن است و هم یک سری مبانی عقلی دارد که حاکی از وجود تفاوت میان وحی و الهام است. چون وحی با تجربه شخصی عارف یا پیامبر فرق می‌کند، وحی دستورات و انزالات حضرت حق است. مقصودم این است که برخی از مسائلی که در جامعه روشنفکری دینی مطرح شده است، نوعا جدید نیست، حتی در مسیحیت هم این مسائل مطرح بوده است، اما خوب مسائل جدید هم مطرح است مثل مسائلی چون هرمنوتیک متن و...، برای پاسخ دادن به این مسائل جدید، روحانیون هم باید به‌مبانی کلامی شیعه مسلط باشند، هم این که مسائل مرتبط با فلسفه دین، فلسفه علم و کلام جدید را خوب فهم کنند تا محل مناقشه مشخص شود و در چارچوب مبانی دینی اصیل خودمان به‌مسائل پاسخ دهند.

یکی از مهمترین شعارهای ما پس از انقلاب، شعار پیوند و وحدت دیانت و سیاست بود. واقعا مرز رابطه این دو عنصر باید چگونه باشد؟

در اسلام، دیانت و سیاست آمیخته با هم‌اند. ما در اسلام هم مسائل اجتماعی و حکومتی داریم و هم مسائل دینی. پیامبراکرم(ص) و ائمه، هم حکومت تشکیل دادند و هم حکیم و مبلغ اسلام بودند. سیاستمداران در فکر و عمل باید تابع اخلاق و قوانین اسلامی باشند. سیاستمداران باید در خدمت دین باشند و ارزش‌های دینی و مبانی دینی را پیگیری کنند و در جامعه بروز دهند. این در همه ادیان و انبیا وجود دارد که دعوت به عدالت و قسط می‌کرده‌اند. در اسلام قدرت به مثابه قدرت اهمیت ندارد، قدرت در خدمت ارزش‌های الهی اهمیت دارد. لذا دین و اخلاق و معنویت دین‌داری بسیار اهمیت دارد. اگر سیاستمدار خودش اخلاقی و زبیرنای سیاست است. اگر سیاستمدار خودش اخلاقی و انسان سلیم نفسی باشد، خیلی از دعاوها و گرفتاری‌ها رفع می‌شود.

اعلام شده‌اند یا قراردادهای اجتماعی هستند که در میان ملت و دولت و طبقات مردم برقرار می‌شوند، پس هر یک از افراد دولت و ملت که در نقض این قرارداد، پیشدستی کند، برضد امنیت کشور اقدام کرده و قضاوت این امر، به هر صورت و طریقی که باشد، با عامه مردم است، نه هیأت حاکمه و دسته‌ای خاص و اساس امنیت عمومی کشور را همان قانون اساسی است که پایه دیگر قوانین و حدود است، تأمین می‌کند. اکنون باید مردم قضاوت کنند و اگر مجالی به مردم برای اظهار نظر داده نشد، تاریخ قضاوت خواهد کرد که تأمین‌کننده امنیت عمومی مردمند یا هیأت حاکمه؟

گفت‌وگویی با دکتر سید سلمان صفوی

راه انتقال مفاهیم دینی به نسل جوان

به نظر من یکی از بهترین روش‌های جذب جوانان به دیانت این است که بتوان یک مدل صحیح از اقتصاد و فرهنگ را به جامعه معرفی کرد تا جوان ببیند، اسلام در عمل توانست که اقتصاد عادلانه را برای جامعه ایجاد و یک فرهنگ متعادلی را فراهم کند تا دنیا و آخرت را با هم داشته باشد. امروز ما نمی‌توانیم صرفاً از طریق وعظ و خطابه جوانان را به دین جذب کنیم، مسئولان باید زندگی مردم را تأمین کنند، اشتغال و عدالت اجتماعی ایجاد کنند و جلوی فساد را بگیرند. این امر عامل مهمی است که جوانان با طیب خاطر به دین جذب شوند. به اعتقاد من، دولت آقای روحانی فرصتی را ایجاد کرده است که خدمات بیشتری به مردم ارائه شود و از این طریق جوانان بیشتر متوجه توانایی اسلام برای حل و فصل مسائل دنیا و آخرت خود خواهند بود.

به‌عنوان یک فیلسوف و مجتهد در فقه اسلامی و به‌عنوان یک روحانی، رابطه جوانان امروز را با روحانیون نسبت به گذشته چگونه ارزیابی می‌کنید؟

یک مسأله مهمی که وجود دارد این است که باید همیشه تعادل ظاهر و باطن دین یا طریقت و شریعت را حفظ کنیم. لبّ دین، معنویت دین است. ما باید هم مطالب معنوی و اخلاقی دین را ارائه کنیم و هم مطالبی را که جنبه ظاهری دین را در بر می‌گیرند [که این بخش بسیار مهم است] بعضی وقت‌ها این تعادل رعایت نمی‌شود و فقط به پوسته دین توجه می‌شود و جنبه‌های معنوی و اخلاقی و عرفانی آن مورد غفلت واقع می‌شود. لذا اگر این تعادل رعایت شود موجب جذب بیشتر جوانان به دین می‌شود. از سوی دیگر در مسأله جوانان و روحانیت، چون به هر حال روحانیون در برخی مشاغل فعال هستند، اگر آنان نتوانند درست عمل کنند، جوان به مدیریت روحانیون بدبینی پیدا می‌کند. در این صورت، این بدبینی حاصل برخی از مدیریت‌های ضعیف خواهد بود و ربطی به دین نخواهد داشت. ما همه معتقد به اسلام و اهل بیت(ع) هستیم. روحانیونی که نماینده اسلام عقلانی و اسلام ناب محمدی (به قول امام خمینی(ره) هستند، نزد مردم و جوانان مورد اطمینان و محترمند.

اما جوان باید بداند که افراد تندرو و کسانی که فقط به پوسته دین چسبیده‌اند این‌ها نماینده اسلام ناب نیستند. نماینده اسلام ناب آن است که پیرو خط امام خمینی(ره) باشد. امام خمینی(ره) هم عارف بود و هم فیلسوف و هم مرجع تقلید، این تفکر در حقیقت نماینده اسلام ناب است. ما با همین تفکر امام(ره) انقلاب کردیم و با همین تفکر است که باید راه انقلاب را ادامه بدهیم و جوانان هم به‌این نوع تفکر جذب می‌شوند. لذا برخی افراط‌گری‌ها و تندروی‌ها است که جوانان را آزرده کرده است.

روحانیون تا چه حد در تبیین اندیشه‌های اسلامی برای جوانان موفق بوده‌اند؟

به‌نظرم آن علمایی که جنبه معنوی و اخلاقی شان قوی است و اخلاق و معنویت اسلامی در رفتار اجتماعی‌شان تجلی کرده است، همچنان مرجع مردم و جوانان‌اند و مردم همچنان به آنان علاقه‌مندند و به‌همین افراد هم امید دارند. در دولت گذشته، بیشترین انتقادات نسبت به دولت از سوی مراجع تقلید صورت گرفت. برخی از سوء مدیریت‌ها و رفتارها موجب شد که مردم به مراجع تقلید پناه ببرند... بنابراین عالمانی که استقلال

دستگاه حاکمه، اصول و موادی را ساخته که سر تیز آنها به طرف مردم است. آقای باز پرس هم به هیچ وجه به اعتراضات متهمین درباره شکنجه‌ها و اقرار گرفتن‌ها، ترتیب اثر نداده و عنوان ادعانامه را، «اقدام برضد امنیت کشور» قرار داده است. این عنوان در قوانین موضوع فعلی به طور جامع و مانع تعریف نشده و فقط در ذیل آن موارد و موادی ذکر شده است. آیا تعریف جامع برای این عنوان میسر نبوده یا قانون‌گذار بنا به مصلحت حکومت‌های فعلی، تعریف آن را صلاح ندانسته تا مجریان و مأمورین حکومت‌ها به هر شکلی که صلاح بدانند، آن را تعریف و تطبیق کنند؛ به این جهت بیشتر مواد ذیل این عنوان،

دکتر سیدسلمان صفوی استاد فلسفه دانشگاه سوآس انگلستان و رئیس آکادمی مطالعات علوم ایرانی لندن است. او از جمله فیلسوفانی است که در درس فقه عالمان بزرگ ایران نیز شرکت داشته و امروز در انگلستان ضمن تدریس فلسفه اسلامی، در مسائل فقهی اسلام و شیعه‌شناسی، به تحقیق و پژوهش می‌پردازد. ایران جوان، رابطه جوانان ایرانی با روحانیون کشورمان را با او بررسی کرده است.

جوانان امروز از کانال‌های جدید به دین و مبانی آن دست پیدا می‌کنند، به عبارتی منابع دینی جوانان با گذشته تفاوت پیدا کرده است و این امر باعث شده که شبهات و سؤالات زیادی در ذهن آن‌ها به وجود بیاید، به‌نظر شما چطور باید به شبهات دینی پاسخ داد؟

برای پاسخ به شبهات و سؤالات دینی باید با تکیه و رجوع به منابع اصلی دین که قرآن، سنت و عقل است، اجتهاد کرد و پاسخ سؤالات جدید را در چارچوب مقتضیات زمان و مکان داد بنابراین نه باید ارتجاع باشد و نه واگرایی. باید به‌روش اجتهادی و با توجه به زمان و مکان بتوانیم پاسخ نسل جدید را بدهیم.

چگونه می‌توان حقیقت دین اسلام را به زبان امروزی بیان کرد به‌صورتی که جوان مسلمان به اطلاعاتی دست پیدا کند که بتواند پاسخ منتقدان را هم بدهد؟

ما یکسری حقایق ازلی داریم که [اینها] ربطی به گذشته و حال و آینده ندارند. مبدأ و معاد و معنویت و اخلاق و... حقایقی ازلی‌اند. اما یک مسائل جدیدی به‌وجود می‌آیند مثل مسأله محیط‌زیست، اخلاق حرفه‌ای و اخلاق کاربردی. این‌ها را می‌توانیم با توجه به شرایط جدید و با روش عقلی از منابع معتبر دینی استخراج کنیم و پاسخ بدهیم، که این یک کار اجتهادی است. از طرف دیگر باید به روش‌های جدید در ارائه دین توجه داشته باشیم. ادبیات ما در این حوزه باید یک ادبیات جدید باشد. از سوی دیگر همه مسائل از طریق نوشتن و تألیف کتاب به‌دست نمی‌آید. برخی از مسائل دینی را باید به سبک هنری به جوان ارائه کنیم. جوان به روش هنری بهتر به مفاهیم دینی جذب می‌شود، مثل هنر سینما، تئاتر، موسیقی، نقاشی و... باید از این روش‌ها استفاده کنیم و مفاهیم بلند دینی را به نسل جوان معرفی کنیم تا این‌ها بیشتر علاقه‌مند به مطالب دینی و جذب عقاید متعالی اسلام شوند.

ما باید از تکنیک‌های جدید رسانه‌ای استفاده و دین را معرفی کنیم. دین باید به روش عقلی، معنوی و هم به‌روش هنری به جوانان معرفی شود. من اعتقاد دارم که اگر به روش هنری مفاهیم دینی را به نسل جوان معرفی کنیم، این امر اثرگذاری بیشتری خواهد داشت تا اینکه صرفا به سخنرانی و نگارش کتاب متوجه باشیم. اگر مطالب دینی در قالب هنر عرضه شود بیشتر تأثیر خواهد داشت. مطلب دیگر این که، برخی مطالب نامربوط در رسانه‌های بین‌الملل علیه اسلام بیان می‌شود که ما باید درباره آن‌ها روشنگری کنیم و این‌ها را نقد کنیم. آن‌ها در قالب فیلم‌های سینمایی رفتارهای ناصواب از مسلمین را عرضه می‌کنند و ما باید خطای این امر را نشان دهیم. از سوی دیگر باید با فساد و ربا و ارتشا با جدیت مبارزه کرد تا جوان مشاهده کند که حکومت دینی خط قرمز فساد است و ظلم اقتصادی. امروز

ادامه از صفحه قبل

باید دلائل را درست بررسی کند... آقای دادستان هم همین بازجوئی‌های ناقص و بی‌سروته را که نه مایه دارد و نه پایه و آن بازپرسی مختصر، ادعانامه صادر کرد! لااقل مراعات ظاهر مواد از ۱۶۹ تا ۱۷۴ قانون دادرسی را می‌کردند و آن را مورد توجه قرار می‌دادند. همین موادی که چندین بار زیر و رو شده و به تصویب مجالس رسیده و نیت و دستگاه‌های قضائی نظامی می‌شد، ولی از آنجا که پایه دادگاه ارتش بر محاکمات زمان جنگ گذارده شده، پرونده‌ها باید با شتاب بررسی اجمالی شوند.

مسجد ملک بازار تهران از قدیمی ترین مساجد تهران به شمار می رود که قدمت آن به حدود دو قرن می رسد. آیت الله سید مهدی انگجی بعد از انتخابات دوره هفدهم مجلس ملی و پیروزی علمای آذربایجان در دوره هفدهم مجلس، در سال ۱۳۳۳ ش. به تهران مهاجرت کرد و تا پایان عمر مبارک در آن شهر زیست. با ورود ایشان به شهر تهران، به درخواست مردم در مسجد ملک به اقامه نماز جماعت و ایراد سخنرانی در مناسبت های مذهبی پرداخت و تا زمان رحلت حدود ۱۰ سال، با برگزاری برنامه های ویژه مذهبی و تفسیری گامی بلند در جهت آشنا ساختن مؤمنان با عقاید مکتب جعفری برداشت. هم اینک فرزند وی آیت الله سیدعلی انگجی، در جای پدر و در کسوت امام جماعت مسجدی که پدرش در آنجا منبر می رفت وظیفه نماز جماعت و وعظ و ارشاد در این مسجد را بر عهده دارد. دهه تکریم و غبارروبی مساجد پنهان های شد تا نظر وی در خصوص مسائل مختلف را جویا شویم. آنچه در ادامه می خوانید مشروح گفت و گوی جوان با وی است.

قدری در خصوص سابقه حضورتان در مسجد ملک صحبت کنید؟

سال ۴۳ که مرحوم پدرم بعد از ۱۰ سال امامت این مسجد رحلت کردند به اینجا آمدم. آن زمان قصد داشتم به نجف بروم زیرا حضرت امام (ره) از ترکیه به نجف تبعید شدند. بعد از فوت پدرم آیت الله خوانساری اولین مراسم ختم را برگزار کردند و با وجود حکومت نظامی پیکر پدرم از بازار تا میدان شوش تشییع شد و خود آیت الله خوانساری بر پیکر ایشان نماز خواندند. بعد از مراسم ختم مدتی جای پدرم اقامه نماز کردم و حضرت آیت الله خوانساری از من خواستند که به نجف بروم و همین جا به جای پدرم امام جماعت باشم. من برای دیدار با امام راهی نجف شدم و در آنجا به حضرت امام عرض کردم که کس دیگری را به جای خودم در مسجد ملک بازار تهران بگذارم و خودم در نجف خدمت ایشان باشم. امام فرمودند فعلا مصلحت نیست و تکلیف است که شما در مسجد ملک بمانید از آن روز تا به حال بنده در مسجد ملک هستم و به غیر درس برنامه های تفسیر مرحوم پدرم را نیز در اینجا ادامه دادم.

مساجد شاید بیشتر به عنوان مکانی برای عبادت و فرایض دینی مطرح شوند اما کارکردهای دیگری هم دارند نظر شما در این خصوص چیست؟

مساجد محلی برای عبادت به معنای واقعی هستند که عبادت به معنای واقعی تنها منحصر به نماز و روزه و قرآن نمی شود بلکه مسجد به عنوان یک پایگاه و خانه خداوند در تمام شئون زندگی مسلمانان اثربخش هستند. همانطور

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی گفت: دوره آخرالزمان یعنی دورانی که جامعه بشری به هدف نهایی خود می رسد و هدفی که از آفرینش وجود داشته در این دوره از زمان تحقق پیدا خواهد کرد. به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله محسن اراکی در برنامه عطر انتظار شبکه قرآن و معارف سیما اظهار داشت: دوره آخرالزمان یعنی دورانی که جامعه بشری به هدف نهایی خود می رسد و هدفی که از آفرینش وجود داشته در این دوره از زمان تحقق پیدا خواهد کرد.

وی ادامه داد: دوره آخرالزمان از زمان بعثت آغاز شده است. رسالت پیامبر دو مرحله بنیادین دارد یک مرحله نخستین، مربوط به تشکیل هسته مرکزی جهانی عدل است که ائمه نیز محور اصلی این هسته هستند و این هسته در زمان خود پیامبر شکل گرفته و ما نیز در مرحله تداوم این هسته هستیم.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی تأکید کرد: بعد از رسول اکرم(ص) این هسته مرکزی که توسط ایشان شکل گرفت دچار مقداری ضعف شد البته از بین نرفت اما دچار ضعف شد و بعد از آن حالتی شبیه به انقباض به امت اسلامی عارض شد که باید این انقباض تبدیل به

آیت الله سیدعلی انگجی امام جماعت مسجد ۲۰۰ ساله ملک:

مساجد، زیبایی ظاهری؟!

مثال یک بار نامه ای برای من آمد که محاسن شما با سن شما تناسب ندارد و چرا محاسن خود را بلند نگه می دارید. یک بار دیگر نامه ای آمد که شما می دانید امام جماعت چه مسجدی هستید که ریش های خود را کوتاه می کنید! این حرف ها وقتی به انسان زده می شود اگر سعه صدر وجود نداشته باشد مشکلات به وجود می آید. امام جماعت باید حوصله زیادی داشته باشد زیرا مردم از بسیاری از مسائل دینی اطلاعی ندارند. مثلا در خصوص منبر عده ای می گویند آقا چقدر منبر کوتاهی بین دو نماز دارید ما احتیاج به منبر طولانی تری داریم. عده ای دیگر می گویند آقا ما کارگریم باید زود نماز را بخوانیم و برویم چقدر بین نماز طولانی صحبت می کنید این نشان می دهد که سلیق مردم هم متفاوت است و باید مطابق سلیق مختلف عمل کرد. در واقع باید با مردم جوشید و با جوان ترها رفیق بود. مرحوم پدرم و من رابطه دو رفیق را با هم داشتیم من هم سعی کردم با فرزندانم و اهالی مسجد رفیق باشم طوری که بسیاری از جوانان اسرار خود را به من بگویند.

با توجه به اینکه مسجد شما در بازار تهران قرار دارد شما برای حل مشکلات مردم چه اقداماتی انجام می دهید؟ یک امام جماعت باید به چه چیزی توجه داشته باشد؟

بله مشکلات و مراقبتی که در بازار هم پدید می آید از مضلّاتی است که در مسجد ملک و نزد بنده طرح می شود. اما یکی از نکاتی که روحانیون مساجد باید دقت کنند این است که صحبت های آنها پای منبر نباید کسل کننده باشد نباید طولانی صحبت کنند هر چند صحبت آنها بار علمی زیادی هم داشته باشد و همچنین تکرار هم مسئله ای است که روحانیون باید به آن توجه کنند. امام جماعت همچنین باید پیگیر نمازگزاران باشد و از احوال آنها باخبر شود اگر به سفر رفتند به دیدارشان برود و برایشان دعای سفر بخواند اگر مریض شدند از آنها عیادت کند. من معمولاً به شاگردانم در سر کلاس ها می گویم با اینکه ۳۰ سال است که این مباحث را تدریس می کنم ولی یک بار بدون مطالعه سر کلاس نمی آیم و نباید اینگونه باشد زیرا منبر هم خودش یک کلاس درس است. تکرار مکررات گاهی اوقات نتیجه عکس دارد.

در خصوص نقش خادم مسجد هم در جذب مردم برای ما توضیح دهید؟

خادم مسجد در ابتدا با مسجد سنخیت داشته باشد. خادم سابق مسجد ما به دست منافقین به شهادت رسید. آن سالی که وهابیون در مکه به حجاج ایرانی حمله کردند بنده به مکه مشرف شده بودم که خداوند ریشه وهابیون که همان فرقه انحرافی انگلیسی هستند را بخشکاند. در این سال منافقین به مسجد ما آمدند و خادم ما را در

که در زمان پیامبر گرامی اسلام(ص) هم مکانی برای آگاهی بخشی و آماده شدن برای جهاد به شمار می رفته است. پیامبر گرامی اسلام بعد از اینکه در شب لیلہ المبیّت و اول ربیع الاول تصمیم به هجرت به مدینه گرفتند و حضرت علی(ع) در بستر ایشان خوابیدند وقتی به مدینه رسیدند در اولین اقدام خود مسجد ساختند. مساجد در این دوران هم دارای برکات فراوانی بوده است که می توان گفت انقلاب اسلامی ملت ایران از مساجد نشئت گرفت.

در خصوص برنامه های جانبی مسجد ملک قدری توضیح دهید.

مسجد ملک برنامه های جانبی مختلفی را دارد و از ابتدای انقلاب در قسمت های مختلف فعال بوده است. تنها شاید بنده در ابتدای انقلاب با حضور کمیته در مسجد مخالفت کردم و گفتم که نه مسجد کلاتری است و نه من کلاتر. اما از جهات دیگر که نگاه کنید مسجد ما بسیج بسیار قوی را دارد که انتظامات نماز جمعه و دفتر رهبری از بچه های بسیج ما هستند. مرحوم آقای ایروانی که از دوستان بنده بودند و مهدیه تهران را اداره می کردند اعتقاد داشتند که علما و بسیج در مساجد با یکدیگر به مشکل می خوردن ولی در این چند سال هیچ مشکلی بین ما و بسیج اتفاق نیفتاد زیرا مسئولان بسیجی که انتخاب می شدند تربیت یافته همین مسجد بودند که هیچ کاری را بدون هماهنگی با امام جماعت انجام نمی دادند و این مسئله را برای خود خلاف شرع می دانستند.

در خصوص نقش ائمه جماعات مساجد هم توضیح دهید.

به نظرم اصلی ترین گرداننده مساجد ائمه جماعات هستند. بنده قریب ۴۰ سال است که در این مسجد هستم و این مسجد ۲۰۰ سال قدمت دارد و مشکلات فراوانی با توجه به نزدیکی به بازار تهران در اطراف این مسجد وجود دارد. زیر این مسجد چاه آب قرار دارد و حتی مشکلاتی از قبیل نشست زمین در این مسجد وجود داشته است. مسجد ما موقوفات هم ندارد و در مدت ۵۰ سال اخیر بعد از تعویض رئیس سازمان اوقاف در مدت چهار یا پنج سال ۳۰ تا ۴۰ درصد از هزینه های ما پرداخت شده است. یادم است مدتی این مسجد تعطیل شد و مرا برای امام جماعت مسجدی تازه ساخت در خیابان کارگر به نام حضرت امیر بردند که بنده قبول نکردم و گفتم که نمی توان با یک دست دو هندوانه برداشت ولی نکته ای مهم را به آنها گفتم و این بود که اهمیت مساجد به زیبایی های ظاهری آن نیست و امام جماعت نقش مهمی در مسجد دارد بنابراین امام جماعتی را انتخاب کنید که شایسته هدایت این مسجد باشد. امام جماعت در جذب مردم هم خیلی نقش دارد و در مواجهه با آنها باید سعه صدر داشته باشد. به طور



چاپخانه مسجد به معنای واقعی کلمه تکه تکه کردند و پیغام گذاشتند که انگجی آمدیم مسجد نبودی چند تن از مزدوران رژیم را کشتیم! یک نفر از برادران بسیجی مسجد را هم سلاخی کردند که به اذن خداوند زنده ماند و ما هر از گاهی به ملاقات او می رویم. بعد از این اتفاق برای خادم قبلی که منجر به شهادت وی شد راننده ام را به عنوان خادم مسجد انتخاب کردم. نظم یکی از نکاتی است که خادمان باید به آن توجه کنند، خادم ما شاید سالی پنج بار هم مسجد را ترک نمی کند و حتی برای امور واجب با اینکه خانواده وی در شمال کشور زندگی می کنند شبانه به شمال می روند و بازمی گردند.

اگر بخواهید توصیه ای برای جذب کودکان و نوجوانان به مسجد داشته باشید چه می گوید؟

باید خانواده ها شرایطی را به وجود بیاورند که فرزندان از ته دل برای حضور فرزندانشان در مساجد رغبت داشته باشند. همیشه تذکری که به نمازگزاران می دهم این است که حضور شما در مساجد به واسطه پدر و مادر شماس. آنها دست شما را گرفته اند و با خود به مسجد آورده اند شما هم همین وظیفه را در قبال فرزندانانت دارید.

باید رسانه ها هم در این مسئله و در مسائل شرعی مردم پیش قدم شوند. به طور مثال شما می بینید که چه هزینه هایی در صداوسیما صرف تولید برنامه های سریالی یا فوتبال می شود. بنده خودم مسابقات ورزشی را دوست دارم اما آنقدر انرژی و هزینه که صرف پخش این مسابقات می شود را نمی پسندم به طور مثال در ایام جام جهانی شما می بینید که رسانه ملی چقدر به این مسابقات می پردازد در حالی که به مسائل شرعی مردم توجهی ندارد. متأسفانه در حال حاضر تحقیقات حدود ۹۰ درصد مردم از مسائل شرعی باخبر نیستند. مرحوم آیت الله نایینی که مجتهد پرور بودند و آیت الله بهجت و آیت الله خویی از شاگردان ایشان بودند. آیت الله خویی تقریراتی از زندگی ایشان نوشته اند و در آن فرموده اند کسی که به مسائل شرعی آشنا نباشد گرچه نماز شب هم بخواند باز هم کامل نیست! متأسفانه

۹۰ درصد تجار بازار از اقتصاد اسلامی بی خبر هستند. بانک های ما وجهه اسلامی ندارد و آلوده به ریاست. ربا شوم و ویران کننده است به طوری که خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید ربا دهنده و ربا گیرنده محارب با خداست. این مسئله پویایی فقه شیعه را نشان می دهد که متأسفانه ما در فراگیری آن از خود سستی نشان می دهیم.

آیت الله اراکی: شاکر نعمت «امامت» نبودن موجب غیبت امام زمان(عج) شده است

وی با بیان این مطلب که بی وفایی به نعمت به تدریج انقباض نعمت را به دنبال خواهد داشت گفت: با قدر دانستن نعمت، آن را از دست خواهیم داد و مسأله غیبت امام زمان(عج) نیز به همین موضوع برمی گردد. ما مسلمانان در حال حاضر یک پنجم جمعیت جهان را داریم و قلب جهان هم از نظر اقتصادی، هم سیاسی و اجتماعی در اختیار مسلمانان است اما حتی زن و کودکان هم در امنیت به سر نمی برد.

آیت الله اراکی اظهار داشت: وضعی که ما الان داریم و این که خودمان داریم خودمان را می خوریم تفسیر این آیه است که می فرماید لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ دقیقاً. زیرا قدر نعمت ها را ندانستیم. این قانون، قانون سنت الهی است و همین قدر ندانستن نعمت الهی موجب غیبت امام زمانمان(عج) می شود.

وی در پایان خاطرنشان کرد: شخص امام غایب است اما دستوراتشان مشخص هستند چه باید بکنیم کاملاً معلوم است و لذا تکلیف مشخص است اگر بخواهیم نعمت به ما بازگردد باید شکر نعمت های خداوند را به جا بیاوریم این امنیت و وحدت که در جامعه ما وجود دارد نعمت هایی است که باید شاکر آن بود.

خداست که اگر از او اطاعت کنیم چیزی از نعمت های الهی باقی نمی ماند که نصیب ما نشده باشد.

آیت الله اراکی بیان داشت: عبودیت جز با جلب رضای الهی حاصل نمی شود و در تمامی دوران ها برای رضای خداوند علامتی وجود دارد که این علامت همان رضایت امام و ولی خداست. وجود نازنین پیامبر اکرم(ص) جلوه تام این رضای الهی است. و اگر این رضایت حاصل شود به معنای همان نعمت تام است.

وی اضافه کرد: برترین نعمت ها امام است و پیروی از امامان نیز به معنای شکر این نعمت است در فلسفه سیاسی اسلامی رهبران سیاسی با اعمال قدرت و شمشیر مردم را مطیع خود نمی کنند بلکه با محبت مردم را مطیع خود خواهند کرد. محبت حقیقی نیز اطاعت را در پی خواهد داشت.

دبیر کل مجمع تقریب مذاهب اسلامی گفت: باید بدانیم که اصل امامت امیرالمؤمنین(ع) نیز در حدیث الدار و در ابتدای بعثت پیامبر اکرم(ص) صورت گرفته اما آن چه که در روز غدیر اتفاق افتاده یکی عمومی بودن این اعلان بوده است و یکی هم بحث بیعت گرفتن برای امام علی(ع) است. این روز همان روز اتممت علیکم نعمت است.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با بیان این که در ایران علما درمقابل شرایط وقت پیش قدم شده اند اظهار کرد: پیش قدمی علما باعث شد که بیش از ۹۹ درصد مردم از آنها حمایت کردند و با هزینه کم هم رژیم پهلوی را شکست دادند و هم آمریکا و انگلیس را بیرون کردند. هم اکنون نیز این علما نه تنها راه خود را از دست نداده اند بلکه حمایت ها را نیز کماکان به همراه خود دارند.

وی با تأکید بر این که اختلافات میان مسلمانان ما را عقیم می کند اظهار کرد: دعوت به همکاری یکی از وظایف علمای اسلام است.

آقای هاشمی رفسنجانی دربخش دیگر از صحبت های خود با بیان این که چنانچه دولت های منطقه با یکدیگر بودند می توانستیم با حربه نفت دنیا را وادار کنیم که حق فلسطینی ها را بدهد اظهار کرد: اگر کشورهای منطقه یکسال نفت خود را نفروشد و به اندازه مصرف خود نفت تولید کنند می توانیم حق مردم فلسطین را هم بگیریم اما متاسفانه امروز مسلمانان برای بیرون کردن دیگری از میدان های نفتی اقدام به همکاری با استکبار می کنند. وی با تأکید بر این که امروز فلسطین راه خود را پیدا کرده است خاطر نشان کرد: امروز فلسطین نمی تواند با تانک و هواپیما به جنگ با اسرائیل برود اما می تواند با موشک به مقابله با اسرائیل بپردازد؛ چرا که اسرائیلی ها نسبت به این موضوع حساس اند و همان طور که رسانه هایشان اعلام کرده اند بسیاری از خارجی های مقیم اسرائیل به دلیل عدم وجودامنیت خواهان ترک اسرائیل هستند.

برگزاری بیست و پنجمین کارگاه آموزشی آشنایی با فرق و مذاهب

بیست و پنجمین کارگاه آموزشی معلمان و مربیان استان گلستان با موضوع آشنایی با فرق و مذاهب، با حضور حجت الاسلام والمسلمین صادق گلزاره معاون فرهنگی مجمع تقریب، در مجتمع نور شهر مقدس قم برگزار شد. احمد احمدی کیلسانی مدیر اجرایی برگزاری این دوره آموزشی گفت: بیست و پنجمین کارگاه آموزشی معلمان و مربیان استان گلستان با موضوع آشنایی با فرق و مذاهب، با حضور حجت الاسلام والمسلمین صادق گلزاره، معاون فرهنگی مجمع، دکتر مختاری، رئیس پژوهشگاه مطالعات تقریبی و حجت الاسلام و المسلمین زمانی و حجت الاسلام و المسلمین فرمانیان و همچنین با حضور بیش از ۱۱۰ نفر از طلاب و فرهنگیان این استان از هجدهم تا بیست و دوم شهریورماه جاری درمجتمع نور شهرمقدس قم برگزارشد.

وی افزود: دراین کارگاه آموزشی حجت الاسلام والمسلمین صادق گل زاده معاون فرهنگی مجمع با موضوع شیوه برخورد ونحوه تعامل بین پیروان مذاهب ،دکتر مختاری رئیس پژوهشگاه مطالعات تقریبی با موضوع گرایش ها و رویکردهای وحدت و تقریب مذاهب ،حجت الاسلام والمسلمین دکترزمانی با موضوع مبانی وحدت و ضرورت حفظ آن ، حجت الاسلام والمسلمین فرمانیان با موضوع آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی وجمعی دیگر از اساتید حوزه ودانشگاه به ایراد سخنرانی پرداختند .

احمدی افزود: دراین دوره یکی ازدانش پژوهان اهل سنت درموردعقاید اهل سنت نسبت به دیگر مسلمانان ولزوم وحدت وپرهیز ازافراطی گری سخنرانی کردکه مورد استقبال دانش پژوهان شیعه وسنی حاضر درجلسه قرار گرفت . نعمت اللهی ثانی از علمای اهل سنت و حافظ کل قران درادامه براحترام گذاشتن به عقاید طرف مقابل تأکید کردوحساب گروههای تکفیری را که خون مسلمانان را میریزند وبه اسم اسلام درسرمین های اسلامی جنایت می کنند رازمسلمانان جدا دانست وگفت اینها نه شیعه اند ونه اهل سنت بلکه از اسلام فقط لا اله الا اله را گفته اند وبه صرف گفتن این کلمه خود را مسلمان می دانند در صورتی که مسمان واقعی باید در عمل مسلمان باشد.

رئیس مجمع تشخیص مصلت نظام:

مقابله با دشمنانی همچون اسرائیل! مشارکت دولت ها، امکان پذیر است



وی با بیان این که در حال حاضر یک دولت اسلامی در دنیا از مستضعفین حمایت می کند اظهار کرد: امروز سالهاست ایران تحت تحریم همه جانبه است. در سال های اخیر نیز تحریم ها همه گیرتر شده است، اما با صراحت اعلام می کنیم که ما فلسطینیان را برای دفاع از غزه مسلح کردیم ما با صراحت قبول کردیم که حزب الله لبنان را مسلح کردیم تا در جنگ ۳۳ روزه مقاومت کرده و پشت اسرائیل را بر زمین بمالد.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام اضافه کرد: غزه ای که در دوران مقاومت خود را مسلح کرد توانست ۵۰ روز مقاومت کند و سرانجام با التماس اسرائیل آتش بس برقرار شود.

آیت الله هاشمی رفسنجانی اضافه کرد: مقاومت مردم غزه نشان داد که اسرائیل شکست پذیر است و اینگونه نیست که چون نیروی هسته ای دارد شکست ناپذیر باشد. وی در ادامه با تأکید بر این که همه مسلمانان باید با امکانات موجود به میدان بیایند و اتحاد عملی داشته باشند، اظهار کرد: چنانچه تفرقه میان مسلمان وجود داشته باشد آنها زمان خود را صرف بدنام کردن یکدیگر کرده اند.

وی با بیان این که ممکن است مسلمانان در کشورهای خود وظایف دیگری نیز داشته باشند که باید به آنها بپردازند، اظهار کرد: وظایف مهمی در اسلام برای مسلمانان وجود دارد که علما پیش از این مسئولیت ها هستند.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با تأکید این که مشکل اصلی مسلمانان در اختلاف است اظهار کرد: راهی نمی توان یافت که اختلافات وجود نداشته باشد وجود اختلاف اشکالی ندارد؛ چراکه زمانی تفکرات مستقلی در مورد یک عقیده دینی وجود داشته باشد اختلاف نظر به وجود می آید اما آنچه که نباید اتفاق بیافتد اختلافی است که منجر به نزاع می شود وقتی اختلافی به نزاع منجر شود تجاوز از حدود به شمار می آید.

آقای هاشمی رفسنجانی خاطر نشان کرد: اختلافات در میان مسلمانان به صورت ظاهری بروز می کند، اما در نهایت به گروه هایی مانند طالبان، جبهه نصرت ، داعش

ایران به دنبال تشکیل امپراطوری نیست

مقاومت بود و مرحله جدید سرنگونی است و این سرنگونی باید به ریشه رژیم صهیونیستی ختم شود. دبیر مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی گفت: امت واحده اسلامی باید قدم اول خود را که همان مسلح کردن کرانه باختری است برای این هدف بردارد و بتواند در راه آزادسازی سراسر فلسطین خود را آماده کند.

وی تأکید کرد: این همایش باید دو نتیجه گیری مهم داشته باشد که یکی از آن نتیجه گیری ها باید تشکیل اتحادیه جهانی فراگیر علمی مقاومت در سراسر جهان علیه صهیونیست و استکبار جهانی باشد و نتیجه دوم این اتحاد باید بتواند به صورت عملیاتی امکانات دنیای اسلام را در جهت کمک به قربانیان صهیونیست و فتنه فراگیر تکفیر بسیج کند.

ایران خاستگاه اصلی مقاومت است

معاون دبیر کل حزب الله لبنان هم در سخنان خود جمهوری اسلامی ایران را خاستگاه اصلی مقاومت عنوان کرد. علامه شیخ نعیم قاسم گفت: مقاومت و پیروزی آن نشان می دهد که امروز غزه می تواند به عنوان یک کشور اسلامی اعلام موجودیت کند و دیگر امکان ندارد دشمنان بتوانند به تجاوزهای خود وجه قانونی بدهند. آزادی سرزمین فلسطین و پاکسازی سلطه یک هدف ارزشمند است که جا دارد مقاومت برای آن برنامه ریزی کند.

وی ادامه داد: امروز تمام سلاح ها متوجه دشمن صهیونیستی شده است. اگر ما در فلسطین پیروز شده ایم این پیروزی باید مقدمه پیروزی در جاهای دیگر دنیا باشد. امروز باید در سایه مقاومت بدانیم که باید اختلافات سیاسی را کنار بگذاریم و همه در صف مقاومت در کنار همدیگر باشیم.

آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در همایش بین المللی علمای اسلام در حمایت از مقاومت فلسطین با بیان این که خداوند مکررا مسلمانان را عتاب می کند که چرا در راه مستضعفین و مظلومین و در مقابل ادعاها و اعلام حضورهای ناحق جهاد نمی کنید خاطر نشان کرد: جهان اسلام از حدود ۶۰ کشور اسلامی تشکیل شده است. قرآن کریم از مسلمانان وحدت خواسته و آن ها را از تنازع نهی صریح کرده و به آن ها در این زمینه هشدارهایی داده است که چنان چه تنازع داشته باشید فشل می شوید و ابهت خود را از دست می دهید.

وی با تأکید بر این که شرایط امروز امت اسلامی چیزی نیست که مورد رضایت خداوند متعال باشد، اظهار کرد: ما حق نداریم که نعمات ارزشمندی که خدای متعال در اختیار مسلمانان جهان قرار داده است را هدر بدهیم. مشکل کار ما اینجاست که ما با یکدیگر متحد نیستیم و تصمیم گرفتن مشترک برای ما به امری دشوار تبدیل شده است که این اتفاق تضییع حق مسلمین است و به فکری دقیقی نیاز دارد.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در بخشی از صحبت های خود با اشاره به چگونگی به اجرا درآمدن صحبت های مطرح شده در همایش های وحدت مسلمین گفت: علما و بزرگان می توانند تصمیمات بزرگی در زمینه تصمیم گیری مشترک انجام دهند به طور مثال ما چندی پیش مشاهده کردیم که پس از فراخوان آیت الله سیستانی از مردم برای مقابله با گروه داعش مردم استقبال باشکوهی کردند و برای مقابله با این گروه هجوم می آوردند.

وی با بیان این که ما در این موضوع مشاهده کردیم که یک عالم بدون دراختیار داشتن ابزار اجرایی و امکانات توانست نتیجه خوبی بگیرد تأکید کرد: اکثر علما در بلاد خود دارای نفوذ و شخصیت تاثیر گذاری هستند. آقای هاشمی رفسنجانی با تأکید بر این که مواجه با دشمنانی همچون اسرائیل بدون مشارکت دولت ها امکان پذیر نیست گفت: دولت ها باید در این زمینه پاسخگو باشند. چنانچه دولت ها بخواهند به اسلام عمل کنند هیچ حجتی برای ترک تکلیف ندارند و باید این اقدام را انجام دهند.

ادامه از صفحه اول

رمضان عبدالله افزود: برخی ها می خواهند منطقه نوار غزه را بعد از اینکه جنگ با رژیم صهیونیستی تمام شده است، وارد جنگ داخلی کنند؛ می خواهند کشمکش میان فلسطینی ها ایجاد کنند اما همه گروه های فلسطینی در مقابل خداوند، ملت فلسطین، تاریخ و امت فلسطین مسئولیت دارند که وارد این درگیری ها نشوند و خدمات و تلاش هایی را که ملت فلسطین برای به دست آوردن این پیروزی کرده است، فراموش نکنند. وی ادامه داد: رهبران مقاومت و گروه های مختلف فلسطینی باید به یکدیگر نزدیک شوند و دست در دست هم بدهند تا بازسازی ویرانه های جنگ را آغاز کنند و به نوعی همبستگی را میان فلسطینی ها ایجاد کنند تا این ملت در برابر چالش های آینده قوی تر شود.

پیشنهاد تشکیل اتحادیه جهانی علمای مقاومت

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی هم در همایش یاد شده، پیشنهاد تشکیل اتحادیه جهانی فراگیر علمای مقاومت علیه صهیونیست را مطرح کرد. به گزارش ایلنا، آیت الله محسن اراکی گفت: جهان اسلام وارد یک پیکار فراگیر شده است که این پیکار در دو شاخه صهیونیست و شاخه نوین آن تکفیر در حال جریان است. به گفته وی، این جنگ فراگیر را استکبار علیه جهان اسلام راه انداخته است و اقتضا می کند که در این زمان نخبگان و علمای اسلام در سطح واحدی علیه این دو جبهه متمرکز شوند.

آیت الله اراکی اضافه کرد: ما از مرحله گذشته عبور کردیم و وارد مرحله جدیدی شده ایم. مرحله دیروز

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: **سیدهادی خسروشاهی**

دفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مغانیه) / نبش ممتاز

تلفکس: ۰۱۴۲۳۳۷۷۴ صندوق‌پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

پرستوی دهلاویه

(تاریخ شفاهی زندگانی و مبارزات شهید مصطفی چمران)

ناشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

تألیف: مجید نجف‌پور

معرفی کتاب: برای شهیدان

راه خدا صفات بی‌شماری را

می‌توان برشمرد، اما شاید

بهترین صفتی که گویای

شخصیت شهید مصطفی

چمران است، همان فرمایش

امیرمومنان می‌باشد که در وصف پرهیزگاران فرمودند:



«شیران روز و زاهدان شب».

مصطفی چمران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران مشتاقانه همراه با گروه ۹۲ نفره نخبگان مذهبی و سیاسی لبنان به ایران آمد و به دیدار امام خمینی (ره) شتافت و بنا به توصیه امام راحل در ایران ماند. سپس برای فرونشاندن توطئه‌های جدایی‌طلبانه در کردستان - با آنکه معاون نخست‌وزیر بود - لباس رزم بر تن کرد و سلاح بر دوش گرفت و با سازماندهی و به‌کارگیری نیروهای مسلح و به‌خصوص قوای مردمی، به خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان انقلاب اسلامی برآمد و نام خود و پاه و حوادث حماسه‌ساز آن و فرمان تاریخی امام خمینی(ره) را برای همیشه در تاریخ ثبت نمود. سپس با آغاز جنگ تحمیلی راهی خوزستان شد و فرماندهی نیروهای داوطلب مردمی - نظامی را تحت عنوان «ستاد جنگ‌های نامنظم» برعهده گرفت. او در ماه‌های آغازین جنگ رشادت‌های زیادی از خود نشان داد و سرانجام در سی و یکم خرداد ماه ۱۳۶۰ در مسیر دهلاویه - سوسنگرد بر اثر اصابت ترکش خمپاره به شهادت رسید. امام خمینی در پیامی به مناسبت شهادت شهید چمران فرمودند: «او جنگجوی پرهیزگار و معلمی متعهد بود که کشور اسلامی ما به او و امثال او احتیاج مبرم داشت... او در حیات، با نور معرفت و پیوستگی به خدا قدم نهاد و در راه آن به جهاد برخاست و جان خود را نثار کرد. او با سرافرازی زیست، و با سرافرازی شهید شد و به حق رسید...».

کنگره نقش تبریز، پیشرو در فرهنگ تشیع همزمان با دومین روز از هفته نکوداشت تبریز برگزار شد. دبیر اجرایی کنگره نقش تبریز، پیشرو در فرهنگ تشیع در مراسم آغاز به کار این کنگره در سرای مظفریه بازار تبریز، تبریز را به عنوان نخستین مرکز جهان تشیع را نمایانگر رویکرد ولایت مداری مردمان تبریز در طول تاریخ دانست.

حجت الاسلام سید شهاب الدین حسینی گفت: بر خلاف بسیاری که تصور می‌کنند تشیع توسط حکومت صفویه در ایران پا گرفت، تبریز و ایران قبل از آن نیز مکتب اهل بیت را در خود داشت و سابقه و ادله و مدارک نشان می‌دهد که تبریز سالها قبل از صفویه مرکز تشیع بوده است.

وی با بیان اینکه در عصر شکوفایی مکتب تشیع قرار داریم و این مرهون نظام انقلاب اسلامی ایران است، ادامه داد: با اجرای چنین برنامه‌هایی به دنبال تثبیت و شکوفایی فرهنگ مردم تبریز در ولایتمداری هستیم.

افراط و تفریط در هر زمانی وجود داشته و چهره قبیح خود را نشان داده است

امام جمعه تبریز در «کنگره تبریز پیشرو در فرهنگ تشیع» تصریح کرد: پس از فاجعه عاشورا که مردم ایران به شدت از آن متأثر شده بودند، مظالم حجاج ابن یوسف در عراق، قتل عام مردم مدینه در ادامه خلافت یزید، سنگ باران مکه و سایر حوادث مانند دمل چرکینی بود که در دل ایرانیان به وجود آمده بود و مردم به دنبال نیستی بودند تا چرک آن را در آورند.

وی افزود: در قیام بنی عباس ایرانی‌ها تصور می‌کردند که بنی عباسی به دنبال خون‌خواهی از حسین برآمده‌اند و حال آنکه بنی‌عباس با ظلم‌خواهی خود روی بنی امیه را نیز سفید کرد و در نتیجه ایرانی‌ها به فکر استقلال افتادند و در این حیث و بیس صفویه به وجود آمد و ۲۳۰ سال در ایران حکومت کرد.امام جمعه تبریز اظهار کرد: نخستین کسی که در حکومت صفویه قدرت را به دست گرفت شاه اسماعیل بود که علاقه وافری نیز به مذهب تشیع داشت و برای اقامه سوگواری امام حسین(ع) و ترویج مکتب تشیع از علما و فقها استمداد می‌کرد؛ تا اینکه در زمان شاه طهماسب محقق کرکی که بزرگ‌ترین فقیه زمان بود به کلی تصوف را کنار زد و تشیع ناب پایه‌گذاری شد و رسمیت یافت.شبه‌ستری خاطرنشان کرد: علاقه صفویان به تشیع و اسلام ناب علوی به معنای این نبود که از ظلم‌هایی که سایر سلاطین معمولاً مرتکب می‌شدند مبرا باشند و این سلسله نیز نقاط ضعف فراوانی داشتند اما نباید تنها از زاویه سلبی به موضوع نگاه کنیم و بعد ایجابی ماجرا را از نظر دور نگاه داریم. نماینده ولی فقیه در آذربایجان شرقی ادامه داد: تبریز که در سال ۹۰۷

«نقش تبریز، در فرهنگ تشیع»

قمری به عنوان نخستین پایتخت صفویان شناخته شد از مظالم بنی‌امیه، بنی عباس، سلاطین عثمانی و چنگیز خان مغول ضربه‌های سختی خورده بود و سخت به دنبال رسمیت بخشیدن به تشیع بودند و توانستند این مذهب را در کل ایران رواج دهند. شبستری یادآور شد: آن زمان مردم به دنبال فرمایش پیامبر اعظم خود بودند که فرمود: حق با علی است و علی با حق؛ فلذا به دنبال این معنی تشیع رسمیت یافت لکن افراط و تفریط در هر زمانی وجود داشته و چهره قبیح خود را نشان داده است به طوری که دو دسته بودند که حضرت علی(ع) را به شدت آزار دادند که یک دسته افراطیون در محبت به ایشان و دسته دیگر هم خوارج بی‌منطق وحشی صفت بودند.امام جمعه تبریز داعشی‌ها را تفاله خوارج نهروان خواند و گفت: تعدادی از شبکه‌های ماهواره‌ای به تبلیغ شیعه خرافی و ترویج رفتارهایی مثل قمه‌زنی می‌پردازند که مقام معظم رهبری تحریم کرده‌اند چرا که عده‌ای بی‌منطق افراطی با این اعمال زشت آبروی شیعه را به خطر می‌اندازند.

نکوداشت تبریز، نکوداشت آذربایجان و ایران اسلامی است

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و نماینده مردم تهران در مجلس گفت: نکوداشت هفته تبریز، نکوداشت آذربایجان و ایران اسلامی است و آشنایی گذشته تبریز به نسل‌های امروز و آینده است.

دکتر حدادعادل در کنگره تبریز پیشرو در فرهنگ تشیع با بیان اینکه آشنایی به گذشته تبریز، به مردم این امکان را می‌دهد که راه آینده را بهتر بشناسند، اظهار کرد: تبریز یکی از شهرهای کهن و بزرگ تاریخ جهان است که در تمدن اسلامی و بشری این شهر نقش بسزایی داشته است. وی با بیان اینکه این شهر قبل از صفویه، شهر عارفان بزرگ بوده است، اعلام کرد: ریشه‌های تشیع در این شهر با آغاز اسلام روییده است و این شهر، شهر اولیای خداست و شهر عابدان و عارفان بوده است و این شهر از قدیم الایام کانون معنویت بوده است.

وی با اشاره به اهمیت ارزشی تبریز گفت: تبریز به دلیل اینکه اولین مرکزحکومت تشیع بوده است، دارای اهمیت والایی بوده است و شناخته شدن این شهر به عنوان اولین پایتخت تشیع اسلام از شگفتی‌های اسلام است.

رئیس فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی از تبریز به عنوان کانون پرورش علمای شیعه نام برد و یادآور شد: علمای دینی آذربایجان چون علامه طباطبایی، امینی و محمدتقی جعفری از افتخارات مردم تبریز و سند ریشه‌دار تشیع در تبریز هستند.وی با بیان اینکه مردم تبریز اهل دیانت و ولایتدارند، گفت: مردم تبریز و اهل بازار تبریز به عزاداری ائمه اطهار(ع) مشهور هستند و عزاداری آنها به تقویم و روز عاشورای حسینی محدود

نمی‌شود.

حدادعادل خاطرنشان کرد: تبریز غیر از علمای دینی با فیلسوفان و هنرمندان و شاعران به دین و تشیع خدمت کرده است.وی با تأکید بر اینکه مردم تبریز به دلیل ولایتمداری و الهام گرفتن از خاندان پیغمبر و عشق به امام حسین(ع) همیشه مدافع اسلام و سنگربانان و مرزبانان کشور بودند.

وی اعلام کرد: مردم تبریز در جنگ هشت سال دفاع مقدس نیز ولایت مداری خود را ثابت کردند به طوری که در زمان جنگ، لشکریان تبریزی با رشادت‌های خود، پیروزی‌هایی را نصیب این کشور کردند.

هدف ما رسیدن به آرمانشهر تبریز در سال ۱۴۰۴ است

معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری تبریز گفت: هدف از انتخاب تبریز فیروزه جهان اسلام رسیدن به آرمانشهر تبریز در سال ۱۴۰۴ است.

حجت الاسلام احمد حمیدی، معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری تبریز در این مراسم با تقدیر از حضور مهمانان کشوری و استانی در این کنگره اظهار کرد: هفته نکوداشت تبریز از ۲۲ تا ۲۷ شهریور در این شهر با ویژه برنامه‌های مختلف برگزار می‌شود که امروز با برگزاری این کنگره در دومین روز از این هفته قرار داریم.

دبیر ستاد هفته نکوداشت تبریز افزود: این هفته با شعار «تبریز فیروزه جهان اسلام» با اقتباس از مسجد کبود تبریز نامگذاری شده و برگزاری برنامه‌های متعدد فرهنگی و دینی در جهت نمایش هویت دینی مفاخر و مشاهیر تبریز به نسل امروز و نیز مردم جهان اسلام، ایجاد فضای سالم جهت صیانت از فرهنگی بومی، بهادادن به هویت دینی، حفاظت از میراث معنوی، زمینه‌سازی برای دیپلماسی فرهنگی و معرفی تبریز به عنوان شهری پیشرو در نهضت‌ها و قیام‌های ۱۰۰ سال اخیر است.معاون فرهنگی واجتماعی در ادامه اظهار داشت: معاونت فرهنگی، اجتماعی شهرداری تبریز در پی تدوین سند راهبردی میباشد تا با تدوین این سند آرمانشهر تبریز به عنوان فیروزه جهان اسلام و پایتخت جهان تشیع در افق ۱۴۰۴ محقق شود.وی افزود: با توجه به سند فوق که موجب اتفاق در شهرداری خواهد بود، برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت طراحی می‌کنیم تا انشاءالله بدین طریق در زمانی مشخص به نقطه‌ای برسیم که در شان جایگاه تبریز باشد. امید است که بتوانیم با اجرای این طرح در سال ۱۴۰۴ تبریز را تا حد آرمانشهری که از همه نظر (عمرانی، رفتاری و مبلمان شهری...) در جهان اسلام الگو باشد، برسانیم لازم به ذکر است تبریز به عنوان مرکز تشیع در جهان اسلام مطرح بوده و علمای بسیاری از اهل تشیع از تبریز بوده و در این شهر می‌زیست‌اند.

جوهر بازار نشر در قم خشک شد / کتاب‌هایی که خریدار ندارد

این بازار را نداشته باشد.

ناظر چاپ انتشارات ابتکار دانش نیز از کاهش ۷۰ درصدی فعالیت این انتشارات خبر می‌دهد و می‌گوید: شرکت در نمایشگاه‌های کتاب سایر استان‌های نیز به دلیل عدم تبلیغات و توجه به کتاب به عنوان یک محصول فرهنگی مفید و تاثیرگذار نه تنها به صرفه نیست بلکه گاهی مواقع ضرر هنگفتی را نیز به دنبال دارد.

مسعود حبیب الهی عدم خرید کتاب از سوی نهادهای فرهنگی، کاهش توزیع بن خرید از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، افزایش قیمت تمام شده کتاب و عدم تبلیغات لازم برای فرهنگ سازی مطالعه را از عوامل عدم اقبال مردم برای خرید کتاب و کاهش شمارگان می‌داند.

ناظر چاپ انتشارات ابتکار دانش، مالیات را از دیگر مشکلات ناشران می‌داند و می‌گوید: این در حالی است که بر اساس قانون موسساتی که فعالیت فرهنگی می‌کند از مالیات معاف هستند و این درحالی است که این قانون درباره انتشارات رعایت نمی‌شود. باید مالیات پرداخت کنند که این دردسری دیگر برای فعالین این عرصه است. مسئول انتشارات سبط النبی که فعالیت خود را از سال

هیچگونه تثبیت قیمتی وجود ندارد و نمی‌توان برای آینده برنامه ریزی کرد.

سید ابراهیم اعلائی به کاهش شمارگان کتاب اشاره و افزایش بی‌رویه قیمت و عدم اقبال خوانندگان به خرید کتاب را از عواملی می‌داند که بر کاهش شمارگان کتاب تأثیر گذاشته است.

وی ادامه می‌دهد: شمارگان برخی از کتاب‌ها به سختی بالای هزار نسخه می‌رسد و بیشتر مولفان و نویسندگان به علت نگرانی از عدم فروش ترجیح می‌دهند کتاب را در شمارگان پائین منتشر کنند.

وی گرچه تکنولوژی و ورود کتاب‌های دیجیتال به بازار را در عدم اقبال مردم به خرید کتاب تأثیرگذار می‌داند ولی در عین حال تأکید دارد دلیل عمده عدم اقبال مردم به خرید کتاب و کاهش تعداد شمارگان، افزایش قیمت و عدم توجه مسئولان به بازار چاپ و نشر است.

اعلائی ادامه می‌دهد: در حال حاضر شرایط به گونه‌ای است که کتابی با شمارگان هزار نسخه که در گذشته طی دو یا سه ماه بفروش می‌رفت در حال حاضر شاید زمانی نزدیک به دو سال طول بکشد و این نکته نیز باعث می‌شود که کسی تمایل به سرمایه گذاری در

۷۹ آغاز کرده است و در زمینه کتاب‌های دینی و مذهبی با رویکرد مهدویت فعالیت می‌کند نیز از به کما رفتن بازار نشر می‌گوید و حتی تأکید دارد که این بازار از نظر وی حتی مرده است.

مهدی پناهی ضمن توصیف اوضاع خراب بازار نشر می‌گوید: کتاب به علت رکودی که در بازار وجود دارد دیگر از سید کالای خانوار خارج شده و مردم ترجیح می‌دهند ابتدا به نیازهای اساسی خود چون خوراک و پوشاک بپردازند و اولویتی برای خرید کتاب ندارند.

رئیس اتحادیه ناشران قم نیز ضمن تأیید گفته‌های هم صنفانش از ۱۲۰۰ انتشاراتی دارای مجوز در قم خبر می‌دهد که در حال حاضر تنها ۵۰۰ انتشاراتی فعال هستند.

حمید خرمی می‌گوید: برخی از انتشاراتی‌ها مجبور شده‌اند شغل خود را به علت کساد بازار رها کنند.

گفته‌های ناشران حاکی از بازار بسیار کساد در بخش چاپ و نشر است مطلبی که به خوبی از گفته ناشران پیدا است و می‌طلبد که در این زمینه نهادهای فرهنگی نقش پررنگ تری را داشته و با خرید کتاب انتشاراتی‌ها و پرداخت بن به خریداران زمینه فعال شدن خرید کتاب را فراهم کنند.